

«پیام ما» از نشست «زیست‌پذیری شهر و بحران کم‌آبی» گزارش می‌دهد

آب، حلقه مفقوده برنامه‌ریزی شهری

ایپام ما ۱ دوشنبه، ۶ مهرماه، شه‌رسازان و متخصصان حوزه آب بیش از سه ساعت در سالن همایش‌های کتابخانه ملی درباره مسئله آب و زیست‌پذیری شهرها گفت‌وگو کردند. یکی از آن‌ها از نسبت آب در شهرهای کهن ایران گفت و دیگری چند عامل را برای موفقیت مدیریت آب برشمرد. گفت‌وگوها یک نقطه مشترک داشت: آب در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، حتی هنگام تدوین طرح‌های جامع شهری، حلقه‌ای مغفول بوده است. در ادامه، بخش‌هایی از این نشست و روایت سه کارشناس حوزه‌های اجتماعی، شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری آمده است.



محمد فاضلی‌ا
ا جامعه‌شناس ا

درباره آب شهری و زیست‌پذیری شهرها، مسئله فنی آب را نمی‌توان از ابعاد اجتماعی و سیاسی آن جدا کرد. تنظیم فشار یا الگوهای مختلف فنی که برای تأمین آب به کار گرفته می‌شوند، تنها بخشی از مسئله‌اند. باید پرسید چه کسی، چه مقدار آب، با چه هزینه‌ای، براساس چه قاعده‌ای و تابع چه معیارهایی از عدالت یا قدرت دریافت می‌کند. در این عرصه، هدف‌ها با یکدیگر بسیار رقیب‌اند و هرکدام از راه‌حل‌هایی که در نظر گرفته می‌شوند نیز پیامدهای خود را دارند. نکته دیگری که در بحث آب در شهرها بسیار مهم است، تحلیل رقابت ذی‌نفعان در مصرف و برداشت آب است. باید توجه کرد که این ذی‌نفعان منافع متفاوتی دارند. خانوار و دسترسی آن به آب سالم در یک سو قرار دارد و صنعت و خدمات در سوی دیگر، شهرداری نیز به‌عنوان سهامدار در شرکت‌ها و نهادهی که برای فضای سبز آب مصرف می‌کند، بخشی از این مسئله است. بیرون از شهر نیز مصرف‌کنندگان دیگری وجود دارند؛ کشاورزی اطراف شهرها و حوضه مبدأ تأمین آب شهرها از جمله

ویژگی‌های شهر سازگار با آب



محمد سعید ایزدی ا
اعوان اسبق وزیر راه
و شهرسازی و استاد دانشگاه ا

در ادبیات توسعه چهار واژه متفاوت داریم که تفاوت‌هایی میان این مفاهیم وجود دارد. سعی می‌کنم ضمن تبیین تفاوت میان هرکدام از این چهار مفهوم، توضیح دهم که کیفیت زندگی و زیست‌پذیری، که موضوع بحث امروز است، چه نقشی دارند. وقتی از کیفیت زندگی صحبت می‌کنیم، درباره سلامت، رفاه، رضایت، امنیت و تعاملات اجتماعی حرف می‌زنیم. در بحث زیست‌پذیری نیز شاید بتوان گفت مفاهیم ذهنی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند. در این حوزه، عدالت اجتماعی، پایداری منابع و مجموعه این مباحث مطرح هستند؛ موضوعاتی که در دهه اخیر مورد توجه سازبان‌های بین‌المللی و کشورهای مختلف قرار گرفته‌اند و تلاش شده است از مجموعه آن‌ها به‌عنوان پایه‌ای برای سنجش آنچه در مفهوم توسعه مورد توجه کشورهاست، استفاده شود. بنابراین می‌توان گفت شهر زیست‌پذیر، شهری است که همه این ویژگی‌ها را داشته باشد.

درباره زیست‌پذیری گاهی تعبیر اشتباهی وجود دارد و برخی آن را صرفاً با شکوفایی اقتصادی یا وضعیت اقتصاد شهر مرتبط می‌دانند، درحالی‌که اقتصاد تنها یکی از معیارهاست و باید در کنار سایر مؤلفه‌ها دیده شود. آب در میان این مؤلفه‌ها چه جایگاهی دارد؟ آب یکی از عوامل پایداری و تاب‌آوری است. در اینجا بحثی



محمدحسین بوچانی ا
برنامه‌ریز شهری ومدیرعامل اسبق
مرکز مطالعات شهرداری تهران ا

مسئله آب، بیش از آنکه صرفاً یک مسئله



شهر پایدار



ا

مدیریت موفق آب در شهرها در گرو چیست؟

آن‌ها هستند. تهران نیز با حوضه مبدأ تأمین آب درگیر است و بخشی از آب آن از حوضه مازندران تأمین می‌شود. حل مسئله آب در گرو این است که این ذی‌نفعان چگونه با یکدیگر کار و تعامل کنند. این بخش به‌شدت مسئله‌برانگیزتر از بخش فنی آن است؛ اینکه لوله‌ها چگونه انتقال آب را انجام دهند، تنها یک بخش از مسئله است.

شهرها در تأمین آب مسئله دیگری نیز دارند. زمانی که مشاور این مسئله بودم، چهار دام تصمیم‌گیری را در این زمینه مطرح کردم که به‌شدت بر شهرها اثر می‌گذارند. نخستین دام، افزایش عرضه بدون مهار تقاضا، مصرف و رشد شهری است. ما در چند دهه گذشته با این مسئله مواجه بوده‌ایم. اسپانیا بین اوایل دهه ۹۰ تا سال ۲۰۱۰، با وجود اینکه شهرها توسعه پیدا کردند و اقتصاد بزرگ‌تر شد، مصرف آب را ۴ درصد کاهش داد. شهرهای دیگری در دنیا نیز این کار را انجام داده‌اند. بنابراین دام نخست این است که سیاست‌گذار فقط به افزایش عرضه فکر کند، بدون اینکه تقاضا، مصرف و اندازه شهر و مصارف آن را مهار کند. دام دوم، درخواست صرفه‌جویی از مصرف‌کننده بدون اصلاح سایر عناصر است؛ یعنی بدون اینکه شبکه را اصلاح کنیم، از مصرف‌کننده انتظار داشته باشیم کمتر مصرف کند.

دام سوم، دل بستن صرفاً به تعرفه و جریمه، بدون حفاظت از مصرف ضروری است؛ یعنی انتظار داشته باشیم با افزایش

طرح‌های دهه ۴۰ و ۵۰ و چه در آسیب‌شناسی‌هایی که در دوره دولت‌های یازدهم و دوازدهم انجام شد، مشخص شد که این طرح‌ها اساساً توجه کافی به شاخص‌های کیفی نداشتند. کیفیت زندگی، زیست‌پذیری، امنیت و ایمنی از مفاهیم پایه‌ای هستند که باید در برنامه‌ریزی شهری مورد توجه باشند، اما در اسناد توسعه شهری جای آن‌ها تقریباً خالی بوده است. برای مثال، برنامه‌ریزی می‌کنیم که در سال‌های آینده ۲۵۰ هزار نفر به جمعیت شهر اضافه می‌شود و بنابراین باید ۳۰۰ هکتار به شهر اضافه کنیم. این فقط یک معادله کمی بوده است که در طرح‌های تفصیلی مورد توجه قرار می‌گرفت و بدون برنامه‌ای برای این ابعاد کیفی بود. خوشبختانه به‌تدریج توجه به این موضوع در حال شکل‌گیری است. در این زمینه باید بتوانیم همان‌طور که اشاره شد، از طریق کاهش اتلاف شبکه و استفاده مجدد از آب، بهره‌وری را افزایش دهیم و برای



حرفه‌ای در ایران درباره گونه‌های گیاهی این ۲۷ درصد از فضای شهری و نسبت آن با آب صحبت نکرده است. برای مثال، می‌توان این موضوع را وارد ضوابط کرد و پایان کار را به آن وابسته دانست؛ یعنی تا زمانی که برای آن ۲۷ درصدی که در پروانه در نظر گرفته شده، درباره نحوه استفاده از فضای باز و آب آن تصمیم مشخصی وجود ندارد، پایان کار صادر نشود.

در دنیا درباره همین ۲۷ درصد بحث‌های زیادی وجود دارد. معماران بهتر می‌دانند که چگونه باید این فضا را طراحی کرد. این مسئله البته جهانی است، اما در تهران و بسیاری از شهرهای ما به چنین موضوعات جزئی توجه نمی‌شود. دلیل آن نیز این است که ما آب را به‌عنوان یک مسئله جدی درک نکرده‌ایم. همان‌طور که نظام مهندسی درباره آتش‌نشانی یا حتی محل صندوق پست الزاماتی دارد و در صورت رعایت‌نشدن آن‌ها پایان کار نمی‌دهد، می‌توان درباره آب نیز الزاماتی ایجاد کرد.

براساس آمارها، بیش از ۷۰ درصد این موارد به‌طور میانگین مطرح می‌شود و گفته می‌شود که در اوج گرما ۵۰۰ لیتر آب مصرف می‌شود. من به‌طور جدی معتقدم اقدامات کوچک می‌توانند دگردیسی‌های بزرگ ایجاد

کنند. اساساً نحوه مواجهه با آب در تاریخ ایران نیز مبتنی بر توجه به همین جزئیات بوده است. این موضوع خود نشانه‌ای از بحران‌هاست. من در اینجا کاری به مدیریت ملی ندارم، چون مدیریت ملی ساختار خود را دارد. اما معتقدم در کشور باید سال‌ها درباره این موضوعات فکر کرد و در رابطه با مسئله آب به یک نظام ارزیابی رسید. ارزیابی عملکرد مدیران اجرایی نباید صرفاً بر مبنای کسب درآمد باشد و نباید فقط توسعه فضای سبز را معیار قرار دهد. این همان توجه به شاخص‌های زیست‌پذیری به جای شاخص‌هایی است که می‌توانند به‌شدت گمراه‌کننده باشند.

برای مثال، اگر شهرداری اعلام کند که سالانه میزان فضای سبز را افزایش داده است، من لزوماً از این عدد خوشحال نمی‌شوم. یک دلیل آن این است که نمی‌دانم گونه گیاهی که کاشته شده با تنش آبی سازگار است یا خیر نمی‌دانم آیا به بازچرخانی فضلاب فکر شده است یا نه. بعد از این همه استفاده از آب شور برای فضای سبز در شهرها، شهرداری به‌واسطه این اقدام استیضاح نشده است، اما احتمالاً به دلیل موضوعات دیگری که شاید ارزش ساختاری آن‌ها تا این اندازه نباشد، بارها مورد سؤال قرار گرفته است.

رسیدن به تاب‌آوری آبی تلاش کنیم. از سوی دیگر، در بعد سوم باید به یکپارچگی حکمرانی آب برسیم؛ یعنی بتوانیم سیاست‌گذاری آب، مدیریت زمین و مدیریت منابع را هم‌راستا کنیم و تصمیم‌گیری مبتنی بر شاخص داشته باشیم.

آنچه در مسیر حرکت از «شهر سازگار با آب» به «شهر زیست‌پذیر» مطرح می‌شود این است که بتوانیم با بازخوانی تجربه شهر تاریخی و نوع همزیستی آن با آب، به سازگاری مناسبی برسیم؛ سازگاری‌ای که بر شناخت ظرفیت سرزمین، مدیریت پایداری و توسعه متکی باشد. در هر صورت، بحث زیست‌پذیری شهری و کیفیت زندگی برای جامعه ما بسیار مهم است. زیست‌پذیری هم جنبه‌های کمی و هم جنبه‌های کیفی دارد و کیفیت زندگی را نمی‌توان صرفاً به جنبه‌های عینی محدود کرد و تصور کرد تنها با تأمین این شاخص‌ها می‌توان زیست‌پذیری را محقق کرد.



کنند. اساساً نحوه مواجهه با آب در تاریخ ایران نیز مبتنی بر توجه به همین جزئیات بوده است. این موضوع خود نشانه‌ای از بحران‌هاست. من در اینجا کاری به مدیریت ملی ندارم، چون مدیریت ملی ساختار خود را دارد. اما معتقدم در کشور باید سال‌ها درباره این موضوعات فکر کرد و در رابطه با مسئله آب به یک نظام ارزیابی رسید. ارزیابی عملکرد مدیران اجرایی نباید صرفاً بر مبنای کسب درآمد باشد و نباید فقط توسعه فضای سبز را معیار قرار دهد. این همان توجه به شاخص‌های زیست‌پذیری به جای شاخص‌هایی است که می‌توانند به‌شدت گمراه‌کننده باشند.

برای مثال، اگر شهرداری اعلام کند که سالانه میزان فضای سبز را افزایش داده است، من لزوماً از این عدد خوشحال نمی‌شوم. یک دلیل آن این است که نمی‌دانم گونه گیاهی که کاشته شده با تنش آبی سازگار است یا خیر نمی‌دانم آیا به بازچرخانی فضلاب فکر شده است یا نه. بعد از این همه استفاده از آب شور برای فضای سبز در شهرها، شهرداری به‌واسطه این اقدام استیضاح نشده است، اما احتمالاً به دلیل موضوعات دیگری که شاید ارزش ساختاری آن‌ها تا این اندازه نباشد، بارها مورد سؤال قرار گرفته است.

ا خبر

اتوبوس‌های جدید چه زمانی به تهران می‌رسند؟

ا پیام ما ۱ پرویز سروری، نایب‌رئیس شورای شهر تهران، با اشاره به ورود تعدادی اتوبوس به بندرعباس از اضافه‌شدن این اتوبوس‌ها به ناوگان حمل‌ونقل عمومی تهران تا هفته آینده خبر داد و گفت: ساماندهی چرخ‌دستی‌های بازار نیز در دستور کار قرار دارد و با مأموران شهرداری که از افراد پول دریافت کنند، برخورد می‌شود.

پرویز سروری در جلسه شورای شهر تهران با اشاره به ورود اتوبوس‌های جدید به کشور گفت: «شهردار تهران در سفر اخیر خود به بندرعباس از گمرک بازدید کرد و تعدادی اتوبوس به بندر رسیده است که امیدواریم تا هفته آینده به ناوگان حمل‌ونقل عمومی تهران اضافه شوند. امیدواریم سایر اتوبوس‌ها نیز هرچه سریع‌تر وارد چرخه ناوگان شوند.»

او درباره ساماندهی چرخ‌دستی‌ها در بازار تهران نیز گفت: «این موضوع اهمیت زیادی دارد و باید بررسی‌های دقیق و کارشناسی درباره آن انجام شود. حدود ۶ تا ۸ هزار چرخ‌دستی روزانه وارد بازار می‌شوند که عمده آن‌ها تحت مالکیت بازاریاران هستند. ساماندهی این حجم از چرخ‌دستی‌ها کار ساده‌ای نیست، اما تلاش می‌کنیم این روند به بهترین شکل انجام شود.»

سروری افزود: «در عین حال، باید افرادی را که در این حوزه فعالیت می‌کنند نیز ساماندهی کنیم تا مشکلاتی در بازار ایجاد نشود. پیگیری‌های لازم در این زمینه انجام می‌شود و قطعاً با مأموران شهرداری که از افراد پول دریافت کنند، برخورد خواهد شد؛ چراکه چنین اقداماتی موجب شکل‌گیری فساد و بی‌اعتمادی می‌شود. تلاش می‌کنیم با این موارد برخورد جدی کنیم تا در شرایط فعلی فشار مضاعفی بر مردم وارد نشود.»

او درباره عملکرد مدیریت شهری در دوره ششم نیز گفت: «به اعتقاد من، شورا و شهرداری در این دوره کارنامه موفقی داشته‌اند که محصول تلاش مشترک این دو مجموعه است. ساماندهی مسائل مالی، پرداخت بدهی‌های انباشته، جلوگیری از ورشکستگی بانک‌ها و اجرای پروژه‌های مهم و اثرگذار از جمله اقدامات انجام‌شده است. افزایش بودجه شهرداری از ۳۷ همت به ۳۲۲ همت نیز از جمله شاخص‌هایی است که می‌توان به آن اشاره کرد.»

به نوشته ایسنا، نایب‌رئیس شورای شهر تهران ادامه داد: «در حوزه اجتماعی نیز در زمینه ساماندهی معضاتان متجاهر اقدامات مثبتی انجام شده است. در حوزه حمل‌ونقل نیز نیمی از بودجه سالانه به توسعه ناوگان اختصاص پیدا کرده است. مجموعه این اقدامات نشان‌دهنده عملکرد مدیریت شهری در دوره ششم است و بخشی از نتایج آن را می‌توان در شرایط فعلی شهر و نحوه مدیریت مسائل در دوران جنگ مشاهده کرد.»

سروری درباره طرح معیشتی شهرداری تهران نیز تأکید کرد: «امروز نخستین روز اجرای این طرح است و امیدواریم با قدرت و قوت اجرا شود تا مردم دست‌کم برای شش ماه با ثبات قیمت‌ها مواجه باشند. تلاش می‌شود اجرای این طرح فشار قابل‌توجهی به بودجه شهرداری وارد نکند و مدیریت مالی آن نیز انجام می‌شود.»

نایب‌رئیس شورای شهر تهران درباره طرح حمل‌ونقل عمومی رایگان نیز گفت: «بنده طراح این طرح بودم و به‌شدت معتقدم که باید ادامه پیدا کند. در زمان بررسی مجدد این موضوع، درباره آن بحث خواهیم کرد.» سروری در پاسخ به پرسشی درباره تداوم حمل‌ونقل عمومی رایگان تا پایان فعالیت علیرضا زاکانی به‌عنوان شهردار تهران تصریح کرد: «به‌هیچ‌عنوان چنین موضوعی مطرح نیست و نباید وارد حوزه‌هایی شوم که ارائه خدمات را مختل کند. با توجه به شرایط ترافیکی و آلودگی هوا، همه معتقدند که توسعه حمل‌ونقل عمومی باید دنبال شود.» او افزود: «دولت و شهرداری باید در این زمینه مطالبه‌گر باشند و همه دستگاه‌ها اعلام کرده‌اند که حمل‌ونقل عمومی رایگان می‌تواند زمینه کاهش ترافیک و آلودگی هوا را فراهم کند. اگر مترو و اتوبوس‌رانی توسعه پیدا کند، حتماً می‌توان محدودیت تردد خودروهای شخصی را نیز اعمال کرد. ما حرکت در این مسیر را آغاز کرده‌ایم و این روند را ادامه می‌دهیم.»

سروری در پایان گفت: «احتمال دارد لایحه شهرداری با محوریت باشگاه شهرداری ارائه شود یا طرح شورای شهر درباره حمل‌ونقل عمومی رایگان مورد بررسی قرار گیرد. برخی اعضای شورا که در ابتدا به این طرح رأی منفی داده بودند نیز اعلام کرده‌اند که در صورت بررسی مجدد، رأی مثبت خواهند داد.»

«تالاب بزنگان» وقتی قانون در کنار طبیعت ایستاد



امجد محمدپورا

افعال محیط‌زیست ا

تالاب بزنگان تنها یک پهنه آبی در جغرافیای خراسان رضوی نیست؛ بخشی از حافظه طبیعی منطقه، زیستگاه ارزشمند حیات‌وحش و یکی از سرمایه‌های طبیعی سرخس است؛ سرمایه‌ای که حفاظت از آن، فراتر از یک موضوع ثبّتی و حقوقی، به منافع عمومی و آینده محیط‌زیست منطقه‌گروخورده است.

در چنین شرایطی، صدور رأی شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی شهرستان سرخس درباره بخشی از اراضی واقع در محدوده بستر تالاب بزنگان، اتفاقی قابل توجه در مسیر صیانت از حقوق عمومی و حفاظت از عرصه‌های طبیعی به شمار می‌رود.

بر اساس رأی بدوی صادرشده، دادگاه پس از بررسی مستندات وسوابق پرونده، احراز کرده‌است که بخشی از عرصه مورد اختلاف با محدوده بستر تالاب بزنگان تداخل دارد. دادگاه با توجه به مقررات حاکم بر بستر تالابها، صدور مالکیت خصوصی نسبت به چنین عرصه‌ای را فاقد مبنای قانونی دانسته و در نتیجه، رأی هیأت حل اختلاف مربوط و سند مالکیت صادرشده برای بخش موردنظر را باطل اعلام کرده است.

اهمیت این رأی تنها در نتیجه آن خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در استدلال حقوقی آن نیز نهفته است. دادگاه تصریح کرده است که صرف صدور سند رسمی، به‌تنهایی نمی‌تواند سبب ایجاد حق مالکیت نسبت به عرصه‌ای شود که قانوناً قابلیت ایجاد مالکیت خصوصی ندارد. به عبارت روشن‌تر، سند رسمی زمانی می‌تواند آثار حقوقی خود را حفظ‌کننده منشأ و سبب صدور آن نیز با قوانین و مقررات آموه منطبق باشد. این نگاه از منظر حفاظت از محیط‌زیست اهمیت ویژه‌ای دارد. تالاب‌ها و بستر آن‌ها عرصه‌هایی هستند که بتوان صرفاً با نگاه ثبّتی و خصوصی به آن‌ها نگریست. حفاظت از این پهنه‌ها با حقوق عمومی، منابع آب، تنوع زیستی و آینده زیست‌بوم منطقه ارتباط مستقیم دارد.

در همین‌جا باید از دستگاه قضایی شهرستان سرخس و مجموعه دادگستری که طی سال‌های گذشته موضوع را با حوصله و دقت دنبال کرده‌اند، صمیمانه قدردانی کرد. رسیدگی به پرونده‌هایی از این دست صرفاً حل‌وفصل یک اختلاف حقوقی نیست؛ بلکه می‌تواند به معنای حفاظت از بخشی از سرمایه طبیعی و جلوگیری از تفتیت حقوقی وضعیتی باشد که با الزامات قانونی حفاظت از محیط‌زیست تعارض دارد.

البته رأی صادرشده در مرحله بدوی است و مطابق قانون، امکان اعتراض و تجدیدنظرخواهی نسبت به آن وجود دارد. بنابراین باید منتظر طی‌شدن کامل فرآیند قضایی ماند. امید می‌رود پس از رسیدگی در مرجع تجدیدنظر در صورت تأیید رأی بدوی، این تصمیم قطعیت پیدا کند و وضعیت حقوقی محدوده مورد بحث برای همیشه روشن شود.

اما پایان این مسیر نباید در صدور یا قطعیت یک رأی قضایی خلاصه‌شود. حفاظت از تالاب زمانی معنا پیدا می‌کند که تالاب دوباره آب داشته باشد.

اکنون نگاه‌ها باید از پرونده‌های ثبّتی به سمت احیای واقعی تالاب بزنگان معطوف شود. بستر تالاب، اگرچه باید از تعرض و ایجاد حقوق خصوصی نامتجانس با قوانین مصون بماند، هم‌زمان به برنامه‌ای عملی برای بازگشت آب، تقویت منابع آبی و احیای زیست‌بوم منطقه نیاز دارد. در همین راستا، برنامه بعدی نیز در حال تدوین است؛ برنامه‌ای که هدف آن، هم‌زمان با آغاز فصل بارش‌ها، فراهم‌کردن زمینه‌ها لازم برای آبیگری تالاب بزنگان و پیگیری اقدامات مؤثر برای احیای چشمه‌های منطقه است. بارش‌های پیش‌رو می‌تواند فرصتی برای احیای تازه‌بارش‌ها باشد؛ مسیری که در آن، به‌جای نگاه مقطعی به آب، باید به احیای چرخه طبیعی آب در منطقه اندیشید. چشمه‌ها باید دوباره شناسایی و احیا شوند، مسیرهای طبیعی ورود آب باید مورد توجه قرار گیرند و ظرفیت‌های قانونی و کارشناسی دستگاه‌های متولی برای بازگرداندن حیات به تالاب به کار گرفته شود. تالاب بزنگان برای زنده‌ماندن فقط به یک رأی قضایی نیاز ندارد؛ به اراده، برنامه، مطالبه عمومی و اقدام عملی نیاز دارد.

رأی اخیر می‌تواند یک نقطه عطف حقوقی باشد؛ اما نقطه پایان نیست. نقطه پایان زمانی خواهد بود که دوباره صدای آب در بستر تالاب شنیده شود، چشمه‌ها جان بگیرند و بزنگان، نه‌فقط در اسناد و نقشه‌ها، بلکه در واقعیت طبیعت منطقه، دوباره نفس بکشد.

آگهی مفقودی

جواز سلاح شکاری ساچه‌زنی دولول مدل کوسه‌کالیبر ۱۲ ساخت کشور ایران به شماره بدنه سلاح ۲۱۸۱۰۲۶۹ متعلق به حبسینعلی شهدادی فرزند آقاجان به شماره ملی ۰۳۰۹۱۰۴۰۷ مفقود شده واز درجه اعتبار ساقط است.

جیرفت

آگهی مفقودی

کلیه مدارک خودرو ماشین وانت پیکان 1600HV مدل ۱۳۸۵ به رنگ سفید به شماره موتور:۶۲۵۵۶۲۵۵ به شماره شاسی:۳۵۰۱۳۳۵ به شماره پلاک ۲۶ ص ۵۶۴ ایران به نام احمد بشکار مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

عنبرآباد



استان

هم‌زمان با خبر انتقال محلی «تب دنگی» در کشور، مسئله سلامت محیط‌زیست شهری مورد توجه قرار گرفت

آب‌های راکد وزباله‌ها، خانه پشه آگدس

علیرضا نادری، حشره‌شناس و اکولوژیست: آگدس پشه‌ای نیست که بتواند مانند برخی حشرات مسافت‌های طولانی را پرواز کند؛ بنابراین وقتی در منطقه‌ای جدید جمعیت این پشه مشاهده می‌شود، باید منشأ آن مشخص شود

ا پیام ما تب دنگی در ایران طی دو سال گذشته از الگوی غالب موارد وارداتی فاصله گرفته و در چند کانون به انتقال محلی رسیده است. «حسین معصومی»، رئیس گروه پیشگیری و مبارزه با بیماری‌های واگیر دانشگاه علوم پزشکی زنجان، چند روز قبل در سمینار علمی «مراقبت و درمان بیماری‌های منتقله» اعلام کرد تب دنگی که پیش‌تر عمدتاً از طریق مسافران کشورهای حوزه خلیج فارس، پاکستان و افغانستان وارد کشور می‌شد، اکنون به مرحله انتقال محلی رسیده است. این تغییر وضعیت، حساسیت نظام مراقبت بهداشتی را برای پیشگیری از طغیان‌های بالینی و بستری افزایش داده است. حضور پشه آگدس در شهرستان «طارم» استان زنجان نیز قطعی شده است. با توجه به تردد مسافران در کانون‌های گردشگری، مانند روستای «شیت»، پایش مداوم زیستگاه‌های تخم‌گذاری این پشه در دستور کار قرار دارد. هم‌زمان، پشه آگدس در بخش‌هایی از جنوب، شمال و شمال‌غرب کشور شناسایی شده است. از سوی دیگر، گسترش این بیماری ارتباط مستقیمی با محیط شهری، آب، فاضلاب و پسماند دارد. پشه آگدس می‌تواند در مقدار کمی آب راکد، از جمله آب جمع‌شده در لاستیک، ظروف، مخازن، زیرگلدانی وزباله‌ها، تخم‌گذاری کند. ازاین‌رو، وزارت بهداشت و سازمان حفاظت محیط‌زیست برای بدی ریشه‌یابی و حل مشکل وارد عمل شدند.

تب دنگی در ایران طی دو سال گذشته وارد مرحله تازه‌ای شده است. بیماری‌ای که در سال‌های گذشته عمدتاً در قالب موارد وارداتی شناسایی می‌شد، از سال ۱۴۰۳ که بعد در برخی مناطق کشور انتقال محلی پیدا کرده است. هم‌زمان، پشه آگدس، ناقل اصلی بیماری، در بخش‌هایی از جنوب، شمال و شمال‌غرب کشور شناسایی شده است. نخستین موارد دنگی در ایران در سال‌های گذشته عمدتاً در افرادی شناسایی می‌شد که سابقه سفر به کشورهای آلوده داشتند. نقطه عطف در سال ۱۴۰۳ رخ داد؛ در این سال ۱۱۲۷ مورد تب دنگی شناسایی شد که ۹۲۲ مورد آن انتقال محلی بود. بخش عمده تب دنگی در ایران طی دو سال گذشته وارد مرحله تازه‌ای شده است. بیماری‌ای که در سال‌های گذشته عمدتاً در قالب موارد وارداتی شناسایی می‌شد، از سال ۱۴۰۳ که بعد در برخی مناطق کشور انتقال محلی پیدا کرده است. هم‌زمان، پشه آگدس، ناقل اصلی بیماری، در بخش‌هایی از جنوب، شمال و شمال‌غرب کشور شناسایی شده است. نخستین موارد دنگی در ایران در سال‌های گذشته عمدتاً در افرادی شناسایی می‌شد که سابقه سفر به کشورهای آلوده داشتند. نقطه عطف در سال ۱۴۰۳ رخ داد؛ در این سال ۱۱۲۷ مورد تب دنگی شناسایی شد که ۹۲۲ مورد آن انتقال محلی بود. بخش عمده

جوابیه اداره‌کل حفاظت محیط‌زیست چهارمحال وبختیاری به گزارش «یکی از آن ۲۵ نفر دیگر نیست»

محیط‌زیست: خودروی شخصی، خودروی مأموریت نبود

پرو انتشار گزارشی با عنوان «یکی از آن ۲۵ نفر دیگر نیست» در شماره ۳۴۹۹ روزنامه «پیام ما» مورخ ۳ تیرماه ۱۴۰۵، دربارهٔ مرحوم محیط‌زیست شهرام مشرف و مطالب مطرح‌شده درباره نحوه وقوع حادثه، وضعیت امکانات و تجهیزات پارک ملی تنگ‌سیاد، خودروهای محیط‌بانی، بازرسی‌های انجام‌شده و محل اسکان همکاران، ضمن عرض تسلیت مجدد به خانواده محترم آن مرحوم و جامعه محیط‌زیست کشور، به منظور تدویر افکار عمومی و شفاف‌سازی موضوع، توضیحات اداره‌کل حفاظت محیط‌زیست چهارمحال و بختیاری به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱- دربارهٔ زمان و شرایط وقوع حادثه

مرحوم شهرام مشرف، محیط‌بان پارک ملی و منطقه حفاظت‌شده تنگ‌سیاد، با شیفت دو روز کار و چهار روز استراحت و تعویض شیفت در ساعت ۱۹ خدمت می‌کردند. نامبرده ساعت ۱۹ روز ۳ شهریورماه ۱۴۰۵ در محل خدمت حاضر شده و در پایان شیفت، حدود ساعت ۱۸:۵۵ تا ۱۹:۰۵ روز اول مهرماه، هنگام خروج از محل خدمت، با لباس شخصی و خودروی شخصی، در مسیر روستای دهنو به شهر سفیددشت، به‌دلیل انحراف به راست و برخورد با دهانه پل دچار سانحه رانندگی شدند.

بر اساس اظهارات همسر محترم مرحوم مشرف، ایشان ساعت ۱۸:۴۵ روز اول مهرماه با خانواده تماس گرفته و اعلام کرده بودند که شیفت کاری‌شان به پایان رسیده و در حال حرکت به سمت منزل هستند. همچنین از همسر خود درخواست کرده بودند برای بازگشت ایشان چای آماده کند. حدود ۱۵ دقیقه پس از این تماس، حادثه رخ داده است.

با توجه به اینکه زمان خروج از محل خدمت و مسیر مربوط به آن در چارچوب مقررات بررسی شده، پرونده سانحه مرحوم مشرف از حیث حضور در خدمت مورد لحاظ و تأیید قرار گرفته است.
۲- دربارهٔ عنوان «مأموریت اداری»
مأموریت اداری عنوان وضوابط مشخص و مستقلی دارد و با حضور و خدمت در محل سازمانی متفاوت است. در مواردی که محیط‌بان برای انجام وظایف اداری یا عملیاتی

در کنار افزایش موارد بیماری، پراکندگی پشه آگدس نیز به مسئله‌ای مهم تبدیل شده است. این پشه در بخش‌هایی از جنوب کشور و در استان‌هایی از شمال و شمال‌غرب شناسایی شده است. با این حال، حضور پشه به‌تنهایی به معنای انتقال بیماری نیست. برای شکل‌گیری انتقال محلی، ویروس نیز باید وارد چرخه پشه و انسان شود. برای نمونه، در مازندران وجود پشه آگدس گزارش شده، اما تا زمان اعلام‌شده، آلودگی ویروسی در نمونه‌های صیدشده و بیماری منتقله از آن ثبت نشده بود.

۳ ارتباط محیط شهری با گسترش بیماری

مسئله دنگی ارتباط مستقیمی با محیط شهری، آب، فاضلاب و پسماند دارد. پشه آگدس می‌تواند در مقدار کمی آب راکد، از جمله آب جمع‌شده در لاستیک، ظروف، مخازن، زیرگلدانی و زباله‌ها، تخم‌گذاری کند.

قباد مرادی، رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت، درباره وضعیت چابهار گفته است که توسعه شهری بدون زیرساخت مناسب برای دفع فاضلاب و وجود آب‌های سطحی، شرایط مناسبی برای تکثیر پشه ایجاد کرده است. او «بهبودی محیط» را یکی از مهم‌ترین اقدامات برای کنترل بیماری دانسته و بر مدیریت پسماند و حذف محل‌های تجمع آب تأکید کرده است.

علیرضا رئیس، معاون بهداشت وزارت بهداشت، نیز در جریان بازدید از چابهار، بهسازی محیط را مهم‌ترین راه مقابله با تب دنگی عنوان کرده بود. در چابهار و مناطق اطراف نیز صدها نقطه آلوده به پشه آگدس شناسایی شده است.

در این میان، تغییر اقلیم نیز می‌تواند بر پراکندگی و فعالیت ناقل اثر بگذارد؛ اما نمی‌توان افزایش دنگی در ایران را تنها به گرمایش نسبت داد. دما، رطوبت، بارندگی، شرایط شهری، مدیریت آب و پسماند و جابه‌جایی جمعیت، هم‌زمان در ایجاد شرایط مناسب برای انتقال نقش دارند.

در نتیجه، وضعیت کنونی ایران را باید نه یک شیوع سراسری، بلکه گسترش ناقل همراه با شکل‌گیری انتقال محلی در چند کانون، عمدتاً در جنوب‌شرق کشور، توصیف کرد. چالش اصلی پیش‌روی نظام سلامت نیز فقط درمان بیماران نیست؛ بلکه کنترل پشه و اصلاح شرایط محیطی‌ای است که امکان تکثیر آن را فراهم می‌کند.

۵ کمیته‌کشوری آفات شهری؛ محل رسیدگی به وضعیت این گونه

در بحث تب دنگی در ایران باید میان دو موضوع تفاوت قائل شد: پراکنش بیماری و پراکنش پشه ناقل بیماری. این دو لزوماً یکی نیستند. ممکن است فردی در جنوب کشور یا حتی خارج از ایران به ویروس دنگی مبتلا شده باشد و پس از طی دوره نقضت، بیماری او در منطقه دیگری شناسایی شود. بنابراین، پراکندگی بیماران به‌تنهایی نمی‌تواند نشان‌دهنده که بیماری در آن منطقه بومی شده است.

علیرضا نادری، حشره‌شناس و اکولوژیست، به «پیام آگدس است. اگر این پشه در منطقه‌ای مستقر شده باشد و بتواند در همان منطقه تولیدمثل کند و جمعیت پایداری تشکیل دهد، آن وقت موضوع با انتقال یک بیمار متفاوت است و باید درباره بومی‌شدن ناقل و شکل‌گیری چرخه انتقال بیماری صحبت کرد.»

کنترل در محل خدمت، به‌دلیل تبعات و مخاطرات آن، ممنوع اعلام کرده است.

از این‌رو، انتساب حادثه مرحوم مشرف به استفاده از خودروی شخصی برای انجام مأموریت یا گشت و کنترل، با واقعیت موجود مطابقت ندارد. ایشان در پایان شیفت خدمت و هنگام خروج از منطقه، برای بازگشت به منزل از خودروی شخصی استفاده کرده‌اند که متأسفانه در این مسیر دچار سانحه شده‌اند.

۵- درباره حضور همکاران دفتر بازرسی و محل اقامت آنان

مطالب مطرح‌شده درباره حضور بازرسی در هتل، به این شکل صحیح نیست. گروه بازرسی سازمان حفاظت محیط‌زیست چند روز پیش از مراسم تشییع و خاکسپاری مرحوم مشرف در استان حضور داشته و در همانسرای اداره‌کل اسکان یافته بود. اعضای این گروه همچنین از مناطق حفاظت‌شده تنگ‌سیاد، قیصری و شیدا و پاسگاه‌های مربوط بازدید کرده‌اند. مستندات تصویری این بازدیدها در وب‌سایت، کانال و صفحات اطلاع‌رسانی اداره‌کل حفاظت محیط‌زیست چهارمحال و بختیاری موجود و قابل بررسی است.

۶- درباره محل اسکان همکاران در مراسم

در مراسم تشییع و ختم مرحوم مشرف، جمعی از همکاران سازمان حفاظت محیط‌زیست، محیط‌بانان و کارکنان ادارات حفاظت محیط‌زیست سایر استان‌ها نیز حضور داشتند. با توجه به هم‌زمانی حضور تعداد

به گفته او، آگدس پشه‌ای نیست که بتواند مانند برخی حشرات مسافت‌های طولانی را پرواز کند و به‌صورت طبیعی مهاجرت گسترده داشته باشد. بنابراین، وقتی در منطقه‌ای جدید جمعیت پشه مشاهده می‌شود، باید منشأ آن مشخص شود؛ از طریق جابه‌جایی کالا، لاستیک، وسایل نقلیه یا مسیرهای دیگر انسانی منتقل شده است؟ این موضوع باید به‌صورت علمی از سوی وزارت بهداشت و متخصصان حشره‌شناسی و اکولوژی بررسی شود. او می‌گوید: «اهمیت این مسئله در ویژگی‌های زیستی آگدس است. این پشه برای تخم‌گذاری به محیط بزرگ با حجم زیادی از آب نیاز ندارد و می‌تواند در مقادیر بسیار کم آب جمع‌شده در یک فضای کوچک تخم‌گذاری کند و چرخه زندگی خود را ادامه دهد. به همین دلیل، کنترل آن در محیط شهری دشوار است و شناسایی سریع محل‌های تکثیر اهمیت زیادی دارد.»

این موضوع در شمال کشور اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. اگر آگدس در مناطق شمالی مستقر و بومی شود، کنترل آن می‌تواند بسیار دشوارتر شود؛ زیرا شمال کشور بارندگی بیشتری دارد و تعداد نقاطی که امکان جمع‌شدن آب در آن‌ها وجود دارد، بیشتر است. بنابراین، پیش از آنکه جمعیت پشه در این مناطق تثبیت شود، باید منشأ ورود، مسیر پراکنش و امکان استقرار آن به‌طور دقیق بررسی شود.

او می‌گوید: «در حال حاضر، کمیته راهبری کنترل آگدس در وزارت بهداشت مسئول هماهنگی این موضوع است. سازمان حفاظت محیط‌زیست نیز در این کمیته نماینده دارد. این کمیته‌ها هر چند ماه یک‌بار تشکیل جلسه می‌دهند و دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های مرتبط با کنترل پشه با نظر اعضای کمیته‌کشوری آفات شهری بررسی و تدوین می‌شود.» او می‌گوید در مناطق جنوبی کشور نیز اقداماتی مانند سم‌پاشی و کنترل پشه انجام شده است. اما در چنین موضوعی سرعت عمل اهمیت زیادی دارد. اگر استقرار یا گسترش پشه ناشی از ورود عمدی یا حتی اهمال در کنترل و پایش باشد، شناسایی سریع آن می‌تواند امکان مداخله مؤثرتر را فراهم کند.

او می‌گوید: «سم‌پاشی نیز یکی از ابزارهای کنترل است که باید به‌صورت هدفمند انجام شود. سموم مورد استفاده برای کنترل پشه، طبق پروتکل‌های مربوطه، برای کاهش جمعیت ناقل به کار می‌روند و در برنامه‌های کنترل آگدس در کشورهایی مانند برزیل نیز استفاده می‌شوند. با این حال، کنترل مؤثر تنها به سم‌پاشی محدود نیست و باید هم‌زمان منشأ ورود پشه، زیستگاه، مسیر پراکنش و نقاط تولیدمثل آن شناسایی شود. به همین دلیل، در کنار وزارت بهداشت و دستگاه‌های اجرایی، حضور حشره‌شناس، اکولوژیست و متخصص محیط‌زیست در این فرایند ضروری است.»

او در نهایت تأکید می‌کند که مسئله اصلی فقط این نیست که چند بیمار در یک منطقه شناسایی شده‌اند؛ باید مشخص شود خود پشه کجا مستقر شده، از کجا آمده و آیا توانسته است در آن منطقه جمعیت پایداری ایجاد کند یا نه. این اطلاعات تعیین می‌کند که با چند مورد بیمار مواجهیم یا با ناقلی بومی‌شده که می‌تواند در آینده چرخه انتقال بیماری را ایجاد و گسترش دهد.

قابل توجهی از همکاران، تمامی ظرفیت مهمانسراهای اداره‌کل و برخی ظرفیت‌های اسکان ادارات مجاور در اختیار مهمانان قرار گرفت.

با این وجود، به‌دلیل تعداد بالای مهمانان و محدودیت ظرفیت مهمانسراها، بخشی از همکاران و مهمانان در مراکز اقامتی بخش خصوصی اسکان داده شدند. بنابراین، اقامت برخی افراد در مراکز اقامتی خصوصی، ناشی از کمبود ظرفیت مهمانسراها و حضور هم‌زمان تعداد زیادی از همکاران بوده است.

اداره‌کل حفاظت محیط‌زیست چهارمحال و بختیاری ضمن احترام به دغدغه‌های مطرح‌شده درباره شرایط خدمت محیط‌بانان و ضرورت ارتقای امکانات و تجهیزات، تأکید می‌کند که حفاظت از محیط‌زیست و حمایت از محیط‌بانان از اولویت‌های جدی این اداره‌کل است و در سال‌های اخیر نیز اقدامات متعددی برای تقویت و نوسازی امکانات و ناوگان عملیاتی استان انجام شده است.

این توضیحات صرفاً با هدف شفاف‌سازی، ارائه اطلاعات دقیق و جلوگیری از شکل‌گیری برداشت‌های نادرست درباره شرایط خدمت مرحوم شهرام مشرف و عملکرد مجموعه حفاظت محیط‌زیست استان ارائه می‌شود.

اداره‌کل حفاظت محیط‌زیست چهارمحال و بختیاری آمادگی دارد در صورت وجود هرگونه ابهام یا پرسش درباره موضوعات مطرح‌شده، از طریق شماره تلفن ۰۳۸۲۲۴۴۰۹۵ پاسخگوی هم‌میهنان و اصحاب رسانه باشد.



تازه‌ترین برآورد فائوز تخریب بیش از ۴۶۰ میلیون هکتار جنگل در جهان

وقت احیای جنگل‌هاست

سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد: حفاظت از جنگل‌ها باید با احیای سرزمین‌های تخریب‌شده همراه شود



AP | گت

گزارش تازه «وضعیت جنگل‌های جهان ۲۰۲۴» (SOFO ۲۰۲۴) سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (FAO) با عنوان «بازسازی جنگل‌ها و سرزمین‌ها؛ راه پیش‌روی برای آینده‌ای پایدار» در ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۴ برابر با ۶ مهر ۱۴۰۵ منتشر شد. این گزارش، بازسازی جنگل‌ها و سرزمین‌های تخریب‌شده را یکی از راهکارهای مهم برای مقابله هم‌زمان با تغییر اقلیم، کاهش تنوع زیستی، تخریب سرزمین و ناامنی غذایی می‌داند. فائو از سوی دیگر، نگاهی گسترده‌تر و نظام‌مند به سرزمین، کشاورزی، معیشت مردم، امنیت غذایی، تنوع زیستی، آب‌وخاک و آینده توسعه پایدار دارد. حفاظت از جنگل‌های باقی‌مانده را ضروری می‌داند، اما تأکید می‌کند که در بسیاری از مناطق جهان، دیگر حفاظت به‌تنهایی پاسخ‌گو نیست و باید برای بازگرداندن کارکردهای اکولوژیک سرزمین‌های تخریب‌شده اقدام کرد.



|پژوهشگر آب‌وخاک |محمداسماعیل اسدی

براساس گزارش فائو، بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۵ حدود ۴۸۹ میلیون هکتار از جنگل‌های جهان در نتیجه جنگل‌زدایی از دست رفته است. در همین حال، بیش از ۴۶۰ میلیون هکتار از جنگل‌های جهان تخریب‌شده برآورد می‌شود. مجموع زمین‌های تخریب‌شده نیز حدود ۱.۵۶ میلیارد هکتار اعلام شده است؛ رقمی که نشان می‌دهد مسئله تخریب سرزمین ابعادی بسیار فراتر از جنگل‌زدایی دارد.

اخبار

۳۰۰ مگاوات ناتـرازی در حوزه سوخت

معاون راهبری تولید برق وزارت نیرو گفت: «وضعیت سوخت زمستانی نیازمند برنامه‌ریزی دقیق است و تأمین مستمر سوخت نیروگاه‌ها شرط اصلی عبور از فصل سرد خواهد بود.»

برق و کاهش فشار بر شبکه در دوره‌های اوج مصرف است.»
مرادی با اشاره به آسیب‌های واردشده به برخی زیرساخت‌های نیروگاهی در جریان جنگ اخیر گفت: «بخشی از نیروگاه‌های دولتی و خصوصی در جریان این حوادث آسیب دیدند، اما مجموعه‌های تخصصی صنعت برق می‌تواند شرایط را برای بازگرداندن این واحدها به مدار تولید وارد عمل شدند.»

در بخش دیگری از این نشست، درباره استفاده از سوخت‌های جایگزین در نیروگاه‌ها توضیح داده شد که سوخت اصلی نیروگاه‌های حرارتی کشور گاز است و واحدهای نیروگاهی، متناسب با شرایط شبکه و تأمین سوخت، امکان استفاده از سوخت‌های جایگزینی مانند گازوئیل یا مازوت را نیز دارند.

مسئولان صنعت برق تأکید کردند که انتخاب و تخصیص سوخت نیروگاه‌ها صرفاً در اختیار مجموعه نیروگاهی نیست و به میزان و نوع سوخت تحویلی از سوی دستگاه‌های تأمین‌کننده بستگی دارد.

بر این اساس، در شرایط محدودیت گاز استفاده از سوخت‌های جایگزین برای تداوم تولید برق مورد توجه قرار می‌گیرد؛ هرچند مصرف برخی سوخت‌ها می‌تواند هزینه‌های تعمیر و نگهداری نیروگاه‌ها را افزایش دهد و دوره تعمیر تجهیزات را طولانی‌تر کند.

مسئولان وزارت نیرو با اشاره به ضرورت حفظ پایداری شبکه برق تأکید کردند که در شرایط محدودیت سوخت، تأمین برق پایدار کشور اولویتی اساسی است و استفاده مدیریت‌شده از سوخت‌های جایگزین نیز باید با در نظر گرفتن الزامات فنی، زیست‌محیطی و مصالح عمومی انجام شود.

همچنین درباره کیفیت سوخت مورد استفاده نیروگاه‌ها اعلام شد که نوع سوخت تحویلی و الزامات مربوط به میزان گوگرد آن، تابع فرایند تولید و تأمین سوخت و ضوابط تعیین‌شده در این زمینه است و نیروگاه‌ها متناسب با سوخت تحویلی، اقدامات و الزامات فنی لازم را دنبال می‌کنند.
امهر

محیط زیست

هکتار از جنگل‌ها تحت تأثیر آتش‌سوزی قرار می‌گیرند. علاوه بر آتش، حشرات، بیماری‌ها و رخدادهای شدید آب‌وهوایی نیز فشار مضاعفی بر جنگل‌ها وارد می‌کنند.

این مسئله برای کشورهایی مانند ایران که در سال‌های اخیر با افزایش خشکی، گرمای شدید، فرونشست زمین، کاهش آب تجدیدپذیر، کاهش رطوبت خاک و خطر آتش‌سوزی در برخی عرصه‌های طبیعی روبه‌رو هستند، اهمیت ویژه‌ای دارد.

۳ هزینه بی‌عملی بیشتر از هزینه بازسازی است

یکی از نکات قابل توجه گزارش جدید فائو، توجه به اقتصاد بازسازی سرزمین است. برآورد این سازمان نشان می‌دهد که پیامدهای اقتصادی ادامه تخریب و بازسازی نکردن اکوسیستم‌های آسیب‌دیده در جهان، سالانه حدود ۸۷۸ میلیارد تا ۶.۳ تریلیون دلار است. این رقم، بسته به دامنه و روش ارزیابی، معادل حدود ۲ تا ۸.۳ درصد تولید ناخالص داخلی سالانه جهان است.

به بیان ساده، تخریب طبیعت و جنگل فقط یک مسئله محیط‌زیستی نیست، بلکه هزینه اقتصادی نیز دارد. کاهش حاصلخیزی خاک، افزایش فرسایش، کاهش ظرفیت نگهداری آب، ازدست‌رفتن تنوع زیستی، کاهش تولید کشاورزی و افزایش آسیب‌پذیری جوامع در برابر خشکسالی و سیلاب، همه بخشی از هزینه‌هایی هستند که ممکن است در حساب‌های معمول اقتصادی دیده نشوند.

بر اساس این گزارش، در حال حاضر حدود ۲۶۰۵ میلیون هکتار از جنگل‌ها تحت بازسازی قرار دارند؛ اما این میزان در مقایسه با وسعت تخریب همچنان محدود است. بنابراین، چالش اصلی گسترش بازسازی در مقیاس چشم‌انداز و با مشارکت جوامع محلی است.

۳ پیشنهادهایی برای احیا

فائو چهار مسیر به‌هم‌پیوسته را برای افزایش مقیاس بازسازی پیشنهاد می‌کند. نخست اینکه مردم باید در مرکز بازسازی قرار گیرند. در این مرحله، حقوق، دانش بومی، تجربه و اولویت‌های جوامع محلی باید در طراحی و اجرای پروژه‌ها مورد توجه قرار گیرد. دوم، بازسازی باید در مقیاس چشم‌انداز انجام شود. در واقع، نباید تنها یک قطعه جنگل یا یک تکه زمین را جدا از محیط پیرامون آن دید. جنگل، مرتع، رودخانه، زمین کشاورزی، روستا و مناطق طبیعی با یکدیگر ارتباط دارند و برنامه‌ریزی باید این پیوستگی را در نظر بگیرد. سوم، باید تأمین مالی پایدار ایجاد شود؛ چراکه بازسازی سرزمین پروژهای کوتاه‌مدت نیست و به سرمایه‌گذاری بلندمدت، منابع عمومی و خصوصی و سازوکارهای مالی متناسب با شرایط مناطق نیاز دارد. چهارم، سیاست‌ها و نهادها باید هماهنگ شوند. قوانین و سیاست‌های کشاورزی، منابع طبیعی، آب، توسعه روستایی و حفاظت از محیط‌زیست نباید با یکدیگر در تضاد باشند.

۳ بازسازی فقط کاشت درخت نیست

یکی از نکاتی که می‌تواند برای ایران اهمیت زیادی داشته باشد، تفاوت میان درختکاری نمایشی و بازسازی اکولوژیک است. هدف اصلی، بازگرداندن کارکردهای طبیعی و تولیدی سرزمین است؛ از جمله بهبود خاک، افزایش نفوذ آب، کاهش فرسایش، بازگشت پوشش گیاهی مناسب، احیای تنوع زیستی و ایجاد شرایطی که اکوسیستم بتواند بخشی از فرایندهای طبیعی خود را دوباره انجام دهد. از این منظر، ممکن است منطقه‌ای با کاشت هزاران نهال همچنان بازسازی‌شده تعریف نشود، اگر خاک آن فرسایش‌یافته باشد، آب در آن نفوذ نکند، پوشش گیاهی پایدار نباشد و تنوع زیستی آن از بین رفته باشد.

۳ پیوند جنگل و کشاورزی

یکی از مهم‌ترین پیام‌های این گزارش برای کشورهایی مانند ایران، ضرورت نگاه یکپارچه به جنگل، مرتع، کشاورزی و منابع آب و خاک است. کشاورزی حفاظتی می‌تواند در این چارچوب نقش مهمی داشته باشد. حفظ بقایای گیاهی در سطح خاک، کاهش دستکاری مکانیکی خاک، تنوع کشت و رعایت اصول تناوب

زراعی، جلوگیری از سوزاندن بقایا، افزایش ماده آلی و کاهش فرسایش، بخشی از رویکرد گسترده‌تر حفاظت و بازسازی منابع طبیعی محسوب می‌شوند. وقتی خاک مزرعه سالم‌تر باشد، آب باران بهتر نفوذ می‌کند، رواناب و فرسایش کاهش می‌یابد و ظرفیت ذخیره آب در خاک افزایش پیدا می‌کند. در مقیاس بزرگ‌تر، این فرایندها به کاهش فشار بر منابع آب و سرزمین کمک می‌کنند. به همین دلیل، مرز میان حفاظت از جنگل و حفاظت از خاک کشاورزی آن‌قدر که در برنامه‌ریزی‌های سنتی تصور می‌شود، پرنگ نیست.

۳ هیرکانی؛ نمونه‌ای برای تعمیم رویکرد فائو

اگر این رویکرد فائو را به شرایط ایران تعمیم دهیم، جنگل‌های هیرکانی نمونه‌ای مهم برای چنین نگاهی هستند. جنگل هیرکانی یک بوم‌سازگان پیچیده است که خاک، آب، پوشش گیاهی، جانوران، رودخانه‌ها و جوامع انسانی پیرامون آن با یکدیگر در ارتباط‌اند. بنابراین، حفاظت از هیرکانی باید از محدوده خود جنگل فراتر رود و حوزه آبخیز، کشاورزی پیرامون جنگل، مدیریت رواناب، فرسایش خاک، آتش‌سوزی، توسعه روستایی و گردشگری را نیز در بر گیرد. در چنین رویکردی، تجربه‌هایی مانند پارک جنگلی هیرکانی ال‌نگدره گرگان می‌تواند اهمیت پیدا کند؛ جایی که حفاظت از طبیعت باید با کاهش فشار انسانی، مدیریت گردشگری، حفظ تنوع زیستی و مشارکت مردم همراه باشد.

گزارش SOFO ۲۰۲۴ در کنار تحلیل جهانی، ۱۸ مطالعه موردی از برنامه‌های بازسازی در نقاط مختلف جهان را بررسی کرده است. از جمله نمونه‌های مورد توجه می‌توان به ابتکار دیوار سبز بزرگ در صحرای آفریقا و ساحل، برنامه «سه شمال» چین و پیمان سه‌جانبه جنگل اطلس در آژانتین، برزیل و پاراگوئه اشاره کرد. این نمونه‌ها نشان می‌دهند که بازسازی زمانی می‌تواند در مقیاس وسیع پیش برود که دانش علمی، دانش محلی، مشارکت مردم، سیاست‌گذاری و تأمین مالی در کنار یکدیگر قرار گیرند.

ایران در منطقه‌ای خشک و نیمه‌خشک قرار دارد و بخش بزرگی از سرزمین آن با مسئله کم‌آبی، فرسایش خاک، بیابان‌زایی، فرونشست زمین، تخریب پوشش گیاهی و فشار بر منابع طبیعی روبه‌روست. در چنین شرایطی، نگاه به جنگل و منابع طبیعی نباید به حفاظت فیزیکی از یک عرصه محدود باشد. به نظر می‌رسد پیام گزارش جدید فائو برای ایران را بتوان در چند محور خلاصه کرد: پیشگیری از تخریب بسیار کم‌هزینه‌تر از بازسازی پس از تخریب است؛ بازسازی باید از جنگل به کل چشم‌انداز و حوزه آبخیز گسترش یابد؛ حفاظت از خاک و آب بخش جدایی‌ناپذیر بازسازی سرزمین است؛ کشاورزی حفاظتی می‌تواند یکی از ابزارهای کاهش فشار بر خاک و منابع آب باشد؛ مشارکت کشاورزان، دامداران، جوامع محلی و صاحبان زمین در موفقیت طرح‌ها ضروری است؛ کاشت درخت به‌تنهایی معادل بازسازی اکولوژیک نیست؛ برنامه‌های بازسازی باید بلندمدت، مبتنی بر علم و همراه با پایش مستمر باشند؛ و در نهایت، سرمایه‌گذاری در بازسازی سرزمین، علاوه بر منافع محیط‌زیستی، می‌تواند منافع اقتصادی و اجتماعی نیز ایجاد کند.

بر اساس خلاصه این گزارش، حدود ۴۸۹ میلیون هکتار جنگل در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۵ از دست رفته و بیش از ۴۶۰ میلیون هکتار جنگل در جهان تخریب شده است. مجموع زمین‌های تخریب‌شده نیز حدود ۱.۵۶ میلیارد هکتار برآورد شده است. سالانه حدود ۱۲۷ میلیون هکتار جنگل تحت تأثیر آتش‌سوزی قرار می‌گیرد. فائو هزینه سالانه بی‌عملی در برابر تخریب اکوسیستم‌ها را حدود ۸۷۸ میلیارد تا ۶.۳ تریلیون دلار برآورد می‌کند. در مقابل، تنها حدود ۲۶۰۵ میلیون هکتار از جنگل‌ها در حال حاضر تحت برنامه‌های بازسازی قرار دارند. این گزارش تأکید می‌کند که بازسازی موفق باید مردم‌محور در مقیاس چشم‌انداز، دارای پشتوانه مالی پایدار و متکی بر سیاست‌ها و نهادهای هماهنگ باشد.

اخبار

۲۸ میلیون هکتار از کشور سیل خیز است

معاون آبخیزداری، امور مراتع و بیابان سازمان منابع طبیعی وآبخیزداری کشور با اشاره به برنامه‌ریزی برای آمادگی در برابر پدیده آل‌نینو گفت: «۲۸ میلیون هکتار از سطح کشور سیل‌خیز است.»

«حسن وحید» درباره آمادگی در برابر پدیده اقلیمی ال‌نینو در ماه‌های پیش رو عنوان کرد: «برای طرح‌های آبخیزداری سال جاری گفت: «چژیات اما باید به‌جای مدیریت بحران، به مدیریت ریسک بپردازیم؛ یعنی پیش از وقوع خسارت، موضوع را درست مدیریت کنیم.»

معاون آبخیزداری سازمان منابع طبیعی کشور با اشاره به اینکه طرح‌های احیای مراتع و جنگل‌ها و پروژه‌های آبخیزداری و آبخوان‌داری از ابزارهای اصلی سازمان منابع طبیعی در این زمینه است، افزود: «با تصمیم دولت، به‌ویژه در حوزه محرومیت‌زدایی، سال گذشته حدود ۶۰ هزار هکتار اجرا شد که بیش از دو برابر متوسط قبلی کشور است و امسال این شتاب بیشتری‌شود.»

او ادامه داد: «جستای با سازمان مدیریت بحران کشور برگزار شده تا هماهنگی با وزارت نیرو در مدیریت رودخانه‌ها و حوزه‌های آبخیز تقویت شود. دولت هم شتاب‌دهی و هم منابع محوب را تنظیم و ابلاغ کرده تا این شرایط به فرصتی برای تقویت سفره‌های آب زیرزمینی و کاهش خسارت تبدیل شود. مساحت امسال هنوز قطعی نشده، اما بر اساس مصوبات، بیش از ۶۰ هزار هکتار آبخیزداری و آبخوان‌داری انجام خواهد شد و در طول برنامه هفتم نتایج بهتری انتظار می‌رود.»
وحید درباره مناطق اولویت‌دار برای اجرای طرح‌های آبخیزداری گفت: «حدود ۲۸ میلیون هکتار از سطح کشور جزو مناطق بحرانی و سیل‌خیز است و بیش از هشت هزار و ۶۰۰ شهر روستا و سکونتگاه درگیر از هشت هزار و ۶۰۰ شهر روستا و سکونتگاه درگیر

اخبار

رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست:

در شرایط سخت

اقتصادی، فشار بر منابع

طبیعی افزایش می‌یابد

معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست با اشاره به پیچیدتر شدن مسائل محیط‌زیستی کشور گفت: حل این چالش‌ها بدون مشارکت مردم، تشکل‌ها و فعالان محیط‌زیست امکان‌پذیر نیست.

«شینا انصاری» در نشست با جمعی از فعالان و کشنگران محیط‌زیست کشور، با قدردانی از حضور نمایندگان استان‌های مختلف اظهار کرد: شرایط اقتصادی، تحریم‌ها و جنگ بر اولویت‌ها و برنامه‌های محیط‌زیستی کشور تأثیر گذاشته است، اما این شرایط نافی مسئولیت سازمان حفاظت محیط‌زیست نیست.

وی افزود: در شرایط فشار اقتصادی، فشار بر منابع طبیعی افزایش می‌یابد و اجرای برخی طرح‌ها می‌تواند پیامدهای محیط‌زیستی داشته باشد. از این رو، سازمان حفاظت محیط‌زیست بیش از گذشته به همراهی و مشارکت جامعه نیاز دارد.

انصاری با تأکید بر ضرورت تقویت کنشگری محیط‌زیستی گفت: کنشگری نباید صرفاً به مطالبه‌گری محدود شود و امروز به مشارکت نهادی و همکاری فعالان با دستگاه‌های مسئول نیاز داریم. استفاده از دانش سنتی، ظرفیت‌های بومی و توان تشکل‌ها می‌تواند در حل مسائل محیط‌زیستی مؤثر باشد.

رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست همچنین با اشاره به چالش‌های پیش‌روی کشور در حوزه آلودگی هوا و انرژی گفت: در نیمه دوم سال با شرایط دشواری مواجه خواهیم بود و باید در کنار توجه به الزامات محیط‌زیستی، برای شرایط موجود راهکارهای عملی پیدا کنیم.

او تقویت اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی را از دیگر ضرورت‌ها دانست و افزود: محیط‌زیست می‌تواند در ترمیم سرمایه اجتماعی و تقویت ارتباط میان جامعه و حاکمیت نقش مؤثری داشته باشد. آموزش و آگاهی‌بخشی محیط‌زیستی نیز باید تقویت شود.

به گزارش روابط‌عمومی سازمان حفاظت محیط‌زیست، انصاری تأکید کرد: موضوعات مطرح‌شده از سوی فعالان محیط‌زیست باید به‌صورت موضوعی دسته‌بندی و برای هر یک خروجی عملیاتی مشخص شود. صرف برگزاری جلسه کافی نیست و در مواردی که مسائل به نتیجه نمی‌رسند، باید موانع نیز شناسایی شوند.

آتش‌سوزی، توسعه روستایی و گردشگری را نیز در برگیرد

آماده‌باش تالاب‌ها برای بارش‌های پیش رو

معاون محیط‌زیست دریایی و تالاب‌های سازمان حفاظت محیط‌زیست از اجرای برنامه گسترده لایروبی نهرها، مسیرهای انتقال آب و رودخانه‌های منتهی به تالاب‌ها خبر داد و گفت: این اقدامات با هدف هدایت حداکثری آب ناشی از بارش‌های پیش‌رو و فراهم‌کردن زمینه آبرگیری تالاب‌ها، از تابستان امسال در استان‌های مختلف آغاز شده است.

«احمد لاهیجان‌زاده» با اشاره به برنامه‌های این سازمان برای استفاده حداکثری از بارش‌های پیش‌بینی‌شده اظهار کرد: برای بهره‌گیری از این بارش‌ها، عملیات لایروبی نهرها و مسیرها را به‌صورت گسترده انجام می‌دهیم تا آب به سمت تالاب‌ها هدایت شود. او افزود، هدف ما این است که بیشترین میزان آبرگیری را در تالاب‌ها داشته باشیم و از ظرفیت بارش‌های پیش‌رو حداکثر استفاده را ببریم. بسیار امیدواریم امسال سال خوبی باشد و شرایط مناسبی برای تالاب‌ها رقم بخورد.

لاهیجان‌زاده گفت: این برنامه را از تابستان امسال آغاز کردیم و برای استان‌هایی که عملیات لایروبی را انجام می‌دهند، اعتبار اختصاص دادیم.

او افزود: در این زمینه با مدیریت بحران استان‌ها هماهنگی‌های لازم را انجام داده‌ایم تا اقدامات موردنیاز با برنامه‌ریزی مناسب دنبال شود.

معاون محیط‌زیست دریایی و تالاب‌های سازمان حفاظت محیط‌زیست ادامه داد: همچنین با شرکت‌های آب منطقه‌ای استان‌ها هماهنگ کرده‌ایم و همکاری‌های لازم در این زمینه در حال انجام است.

لاهیجان‌زاده اظهار کرد: تمرکز زیادی بر لایروبی نهرها و مسیرهای انتقال آب داشته‌ایم تا مسیر ورود آب به تالاب‌ها برای بهره‌گیری از بارش‌های پیش‌رو آماده باشد. او در پایان گفت: لایروبی رودخانه‌های منتهی به تالاب‌ها نیز در دستور کار قرار گرفته است تا در صورت وقوع بارش‌های مناسب، بیشترین میزان آب را به سمت تالاب‌ها هدایت و زمینه آبرگیری آن‌ها را فراهم کنیم.۱ ایسنا

اخبار

«**صالحی امیری**» در آیین تشییع پیکر «محمد میرشکرایی»:

سرمایه فرهنگی با مرگ صاحب آن پایان نمی‌یابد

وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی با تأکید بر جایگاه ممتاز محمد میرشکرایی در مردم‌شناسی و پاسداشت میراث ناملموس ایران، سرمایه فرهنگی را از ماندگارترین صورت‌های سرمایه انسانی دانست و گفت ارزش و اثرگذاری این سرمایه با درگذشت صاحب آن پایان نمی‌یابد، بلکه در گذر زمان و در حافظه تاریخی جامعه بیش از پیش آشکار می‌شود.

«سیدرضا صالحی‌امیری»، وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، در آیین تشییع پیکر «محمد میرشکرایی»، مردم‌شناس، پژوهشگر پیشکسوت و چهره ماندگار میراث‌فرهنگی کشور، از او به‌عنوان یکی از سرمایه‌های ماندگار فرهنگ ایران یاد کرد. این مراسم با حضور جمعی از مدیران وزارت میراث‌فرهنگی، استادان دانشگاه، پژوهشگران، هنرمندان و فعالان حوزه‌های میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، مقابل پژوهشگاه میراث‌فرهنگی وگردشگری برگزار شد.

صالحی‌امیری دراین مراسم، درگذشت میرشکرایی را به خانواده، همسر، فرزندان و بستگان او و جامعه علمی و فرهنگی کشور تسلیت گفت و افزود: میرشکرایی شخصیتی بود که عمر علمی و حرفه‌ای خود را صرف شناخت، مستندسازی و صیانت از فرهنگ مردم ایران کرد و آثار و اندیشه‌هایش بخشی ازحافظه فرهنگی این سرزمین باقی خواهد ماند.

او با اشاره به جایگاه علمی، فرهنگی و اجتماعی میرشکرایی اظهار کرد: «امروز نام و یاد مردی را گرامی می‌داریم که نماینده سرمایه ماندگار ما، باورها و اتحاد ما و مبانی فرهنگی این سرزمین بود؛ مردی که حیات علمی و تلاش‌های پژوهشی او در خدمت شناخت و پاسداشت هویت تاریخی و فرهنگی ملت ایران قرار داشت.»

وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی با اشاره به نسبت میان حیات انسانی، مرگ و ماندگاری اندیشه در منظومه باورهای دینی و فرهنگی جامعه گفت: «براساس باورهای دینی و اعتقادی ما، انسان با مرگ دنیوی از این جهان فانی به دیار باقی سفر می‌کند. از این منظر، آنچه می‌تواند در این لحظات دشوار تسلی‌بخش خانواده و بازماندگان این استاد فقید باشد، این حقیقت است که او از میان ما نرفته، بلکه سفر کرده است. اگرچه جسم او در میان ما حضور ندارد، روح، اندیشه و میراث معنوی‌اش همچنان در جامعه‌ه زنده خواهد ماند.»

او با تأکید بر اینکه فقدان یک شخصیت علمی و فرهنگی را نمی‌توان در چارچوب پایان حیات فردی ارزیابی کرد، افزود: اما از انواع سرمایه‌ها، از جمله سرمایه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سخن می‌گوییم و هر یک از این سرمایه‌ها در جایگاه خود ارزش و کارکرد دارند، اما سرمایه فرهنگی ماهیتی متفاوت دارد.»

صالحی‌امیری تصریح کرد: «سرمایه فرهنگی نه‌تنها ماندگار است، بلکه پس از مرگ صاحب آن، ارزش و اثرگذاری‌اش می‌تواند بیش از گذشته آشکار شود و اندیشه و دانش او را زنده باقی بماند.»

وزیر میراث‌فرهنگی با بیان اینکه میراث علمی و فرهنگی افراد فرقیخته از مرزهای حیات فردی فراتر می‌رود و در حافظه جمعی و هویت تاریخی جامعه استمرار می‌یابد، ادامه داد: «امروز یک سرمایه فرهنگی را بدرقه می‌کنیم؛ سرمایه‌ای که روح، دانش، تجربه و اندیشه‌اش در میان انسان‌های فرهیخته این سرزمین ماندگار خواهد بود. جسم او را به خاک می‌سپاریم، اما سرمایه ماندگارش باقی خواهد ماند و اندیشه‌اش را تاریخ ثبت خواهد شد.»

او خاطرنشان کرد: «ماندگاری شخصیت‌های علمی و فرهنگی به حضور جسمانی آنان وابسته نیست، بلکه به عمق تأثیرگذاری اندیشه، آثار و خدماتی بستگی دارد که در حیات اجتماعی و فرهنگی جامعه بر جای می‌گذازند. از این رو، پاسداشت چنین چهره‌هایی در حقیقت پاسداشت حافظه تاریخی و سرمایه معرفتی ملت ایران است.»

صالحی‌امیری در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به نقش برجسته میرشکرایی در حوزه مردم‌شناسی و میراث ناملموس، تلاش‌های او را در شناخت، ثبت و معرفی آیین‌ها و سنت‌های فرهنگی ایران بخشی از کارنامه ماندگار پژوهش میراث‌فرهنگی کشور دانست.

او با اشاره به جایگاه نوروز در منظومه فرهنگی ایران و گسترش پاسداشت آن در عرصه بین‌المللی اظهار کرد: «وقتی از نوروز سخن می‌گوییم، باید بدانیم که اگر امروز این آیین کهن در بلندی میراث‌فرهنگی جهان جایگاه دارد و در کشورهای مختلف گرامی داشته می‌شود، بخشی از این دستاورد موهون تلاش‌های این مرد بزرگ و پژوهشگرانی است که عمر خود را برای شناخت، ثبت و معرفی این میراث ارزشمند صرف کردند.» وزیر میراث‌فرهنگی افزود: «امروز در بخش‌هایی از آسیای میانه، قفقاز و کشورهای همسایه ایران، نوروز به‌عنوان یکی از جلوه‌های برجسته میراث‌فرهنگی و معنوی گرامی داشته می‌شود. نوروز یکی از سرمایه‌های بزرگ معنوی ملت ایران و از عناصر پیونددهنده فرهنگی میان جوامع و ملت‌های منطقه است. ثبت و تدوام حیات آن حاصل کوشش جمعی از پژوهشگران، اندیشمندان و فرهیختگانی است که در این مسیر نقش آفرینی کرده‌اند و محمد میرشکرایی از چهره‌های مؤثر این عرصه بود.» |امیراث آریا

ایستگاه راه‌آهن اصفهان در حال احداث، بهار ۱۳۵۳



چهار روایت از یک بحران پنهان در بافت تاریخی اصفهان

میراث اصفهان؛ ثروتی که صاحب ندارد

بافت تاریخی اصفهان فقط مجموعه‌ای از خانه‌ها، بازارها، سراها، گذرها و بناهایی نیست که باید مرمت شوند و باقی بمانند. مسئله اصلی شاید از جایی آغاز می‌شود که شهری با این حجم از انباشت تاریخی، هنوز نتوانسته میان این دارایی‌ها رابطه‌ای سباز که از دل آن زندگی، اشتغال، فعالیت اقتصادی تازه متولد شود. در اصفهان، میراث کم نیست؛ آنچه محل پریش است، سازوکاری است که بتواند این میراث را از حالت دارایی‌های پرکنده به جریانی زنده و مولد تبدیل کند.



سمنان مهبای نمایشگاه ملی صنایع‌دستی

معاون صنایع‌دستی و هنرهای سنتی اداره‌کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی سمنان از میزبانی این استان برای نمایشگاه ملی صنایع‌دستی از ۲۳ تا ۲۹ آبان خبر داد و افزود: شمار هنرمندان فعال صنایع‌دستی سمنان با افزایش قابل‌توجه در سال‌های اخیر، از مرز ۶ هزار نفر عبور کرده است. سمنان سلطانی با اشاره به رشد جامعه هنرمندان صنایع‌دستی استان گفت: پیش از این، شمار هنرمندان فعال صنایع‌دستی سمنان بیش از ۴ هزار و ۵۰۰ نفر اعلام می‌شد که این رقم اکنون به بیش از ۶ هزار نفر رسیده است. وی افزایش تسهیلات، حمایت از فروش و بازاریابی، معرفی هنرمندان و فراهم‌کردن زمینه حضور آنان در نمایشگاه‌ها را از عوامل افزایش استقبال از فعالیت در حوزه صنایع‌دستی دانست و افزود: این حمایت‌ها موجب افزایش اطمینان جامعه هنری و ورود نسل جوان‌تر به حوزه صنایع‌دستی شده است.

❖ درخشش دو هنرمند صنایع‌دستی در رویدادهای ملی معاون صنایع‌دستی و هنرهای سنتی اداره‌کل میراث فرهنگی سمنان از موفقیت دو هنرمند استان در رویداد «سرزمین من» و کسب تبه‌های برتر کشوری خبر داد و بر تداوم حمایت از هنرمندان و معرفی ظرفیت‌های صنایع‌دستی سمنان در سطح ملی و بین‌المللی تأکید کرد. وی با اشاره به برنامه‌های حوزه صنایع‌دستی استان در بخش بازاریابی و فروش افزود: یکی از برنامه‌های مهم پیش‌رو، برگزاری نمایشگاه ملی صنایع‌دستی در سمنان است. به این ترتیب، سمنان وارد تقویم نمایشگاه‌های صنایع‌دستی کشور شد و سال گذشته برای نخستین‌بار میزبان نمایشگاه ملی بود.

معاون صنایع‌دستی و هنرهای سنتی اداره‌کل میراث فرهنگی سمنان بیان کرد: با حمایت استاندار و سمنان، فرماندار مرکز استان و مسئولان استانی و شهرستانی، نمایشگاه ملی صنایع‌دستی از ۲۳ تا ۲۹

تغییر کرده است. او ارزش اصفهان را محصول اهلیت اصفهانی می‌داند و معتقد است بخشی از رفتارهای امروز با شهر، نشان‌دهنده اختلال در همین رابطه است. این نگاه، مسئله ثروت را از مفهومی صرفاً اقتصادی خارج می‌کند. شهری که ساکنانش با بافت تاریخی احساس تعلق نکنند، حتی اگر بناهای آن مرمت شوند، با خلأیی مهم مواجه خواهد بود. میراث زمانی در زندگی شهری جریان پیدا می‌کند که مردم آن را بخشی از زندگی خود بدانند، نه صرفاً مجموعه‌ای از بناهای ارزشمند که باید برای گردشگر آماده شود.

ابراهیمی نیز از زاویه‌ای دیگر به همین مسئله اشاره می‌کند. از نظر او، ثروت بافت تاریخی فقط پول نیست؛ شهروندی که در بافتی تاریخی قدم می‌زند و در آن زندگی می‌کند، می‌تواند به شهر احساس تعلق پیدا کند و همین تعلق، بخشی از ثروت اجتماعی و فرهنگی شهر است. این دو نگاه، پرسشی اساسی را پیش روی اصفهان قرار می‌دهد: آیا هدف از احیای بافت تاریخی فقط جذب گردشگر است یا قرار است زندگی در این بافت دوباره برای ساکنان نیز جذاب شود؟ اگر پاسخ، گزینه دوم باشد، گردشگری می‌تواند نتیجه زنده‌شدن شهر باشد، نه جایگزین زندگی شهری.

بهشتی برای توضیح تفاوت وضعیت اصفهان با نمونه‌هایی مانند بازار تبریز بر نقش مردم و سرمایه اجتماعی آنان تأکید می‌کند و معتقد است احیای میراث زمانی پایدارتر می‌شود که جامعه محلی خود در آن مشارکت داشته باشد. او همچنین کاهش سرمایه‌گذاری در خانه‌های تاریخی اصفهان را در ارتباط با همان اختلال در اهلیت تحلیل می‌کند.

❖ مشکل فقط میراث نیست؛ مشکل شبکه‌ای است که ساخته شده

علی توپچی، شهردار ناحیه ویژه تاریخی شهر اصفهان، در گفت‌وگو با «پیام ما» مسئله را یک گام جلوتر می‌برد. در نگاه او، ثروت حاصل از میراث را نباید فقط با درآمد و پول سنجید. او از سرمایه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مکانی و حتی سرمایه آینده سخن می‌گوید؛ مفهومی که بر اساس آن، شهر باید بتواند از انباشت تاریخی خود امکان‌های تازه‌ای برای آینده تولید کند. از این منظر، حتی اگر گردشگر در بافت حضور داشته باشد، فعالیت اقتصادی جریان داشته باشد و بناهایی نیز مرمت شوند، ممکن است ظرفیت اصلی بافت همچنان فعال نشده باشد. توپچی از وضعیتی سخن می‌گوید که در آن کاهش سکونت پایدار کاهش تنوع فعالیت‌ها، تجاری‌شدن اشیای بعدی و تمرکز سرمایه در چند نقطه می‌تواند نشانه محدودشدن ظرفیت آینده شهر تاریخی باشد. او هشدار می‌دهد که اقتصاد میراث نباید در چرخه بازدید، اقامت، غذا و خرید متوقف شود.

این نگاه، مسئله اصفهان را از تعداد گردشگران جدا می‌کند. پرسش دیگر این نیست که چه تعداد گردشگر وارد شهر می‌شود، بلکه این است که هر بخش از سرمایه تاریخی چگونه می‌تواند در تولید جریان‌های متنوع و پایدار ارزش مشارکت کند؛ آن هم بی‌آنکه خود سرمایه

تاریخی در این فرایند مصرف شود. نکته‌کلیدی دیگر این رابطه میان عناصر تاریخی است. توپچی معتقد است بخشی از ارزش اصفهان در عناصر منفرد نیست، بلکه در رابطه میان آن‌ها قرار دارد. میدان، بازار، مسجد، محله، خانه تاریخی، هنر مهارت، روایت، خوراک، اقامت و فضای عمومی، اگر به یکدیگر متصل شوند، می‌توانند تجربه‌ای فراتر از بازدید منفرد از یک بنا ایجاد کنند. او ایده گردیدور تمدنی اصفهان را نیز در همین چارچوب مطرح می‌کند؛ ایده‌ای که بنا بر توضیح او قرار است نقش حلقه اتصال میان پهنه‌های تاریخی و شهری را ایفا کند و عناصر پرکننده را به شبکه‌ای پیوسته تبدیل کند. این ایده در این گفت‌وگو به‌عنوان دیدگاه و پیشنهاد مطرح شده است، نه پروژ‌ای قطعی یا مصوب.

اگر این نگاه را کنار سخنان ابراهیمی قرار دهیم، مسئله‌ای مشترک آشکار می‌شود: اصفهان فقط با پرکردگی فیزیکی عناصر تاریخی مواجه نیست؛ پیوند مدیریتی، روایی، اقتصادی واجتماعی میان آن‌ها نیز ضعیف است.

حمایت اداره‌کل فعال شده است.

❖ کاتپچه الکترونیکی صنایع‌دستی استان سمنان وی انتشار «کاتپچه الکترونیکی صنایع‌دستی استان سمنان» را از دیگر اقدامات انجام‌شده برشمرد و گفت: این کاتپچه در پایگاه اینترنتی اداره‌کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان در دسترس است و برای معرفی هنرمندان و محصولات صنایع‌دستی استان مورد استفاده قرار می‌گیرد. سطلانی‌پور از حضور یک هنرمند سمنانی در جشنواره جهانی صنایع‌دستی ویتنام خبر داد و اظهار کرد: اسمال چهار نماینده از ایران در جشنواره جهانی صنایع‌دستی ویتنام حضور دارند که به سهمیه به استان سمنان اختصاص یافته است.

وی این حضور را فرصتی برای معرفی صنایع‌دستی استان در عرصه بین‌المللی دانست و افزود: حضور هنرمندان سمنانی در رویدادهای ملی و بین‌المللی می‌تواند به معرفی ظرفیت‌های صنایع‌دستی استان کمک کند.

معاون صنایع‌دستی و هنرهای سنتی اداره‌کل میراث فرهنگی سمنان همچنین از پیگیری برای اختصاص بخشی از خریدهای دستگاه‌های اجرایی به صنایع‌دستی خبر داد و گفت: مکاتبات متعددی با استانداری و دستگاه‌های اجرایی انجام شده است تا بخشی از هدایای سازمانی از میان محصولات صنایع‌دستی استان تأمین شود.

سلطانی‌پور از رسانه‌ها خواست در مطالبه‌گری از دستگاه‌های اجرایی برای حمایت از تولیدات صنایع‌دستی و خرید محصولات هنرمندان استان، نقش فعال‌تری داشته باشند.

وی همچنین توجه به المان‌های شهری مرتبط با صنایع‌دستی را ضروری دانست و افزود: در مهدیشهر، شهر ملی سوزن‌دوزی، اقدامات خوبی در زمینه استفاده از المان‌های مرتبط با صنایع‌دستی انجام شده است و انتظار می‌رود شهرداران دیگر نقاط استان نیز به این ظرفیت توجه بیشتری داشته باشند.

سلطانی‌پور با اشاره به اقدامات آموزشی در حوزه

❖ بافت تاریخی میان چند تصمیم گیرنده

امیر کرم‌زاده، مدیرکل میراث فرهنگی استان اصفهان، در گفت‌وگو با «پیام ما» بخش دیگری از مسئله را به شرایط کالبدی و مدیریتی بافت مرتبط می‌داند. از نگاه او، تراکم سنگین و ساخت‌وساز در برخی نقاط، به فشار بر معابر و دشوارترشدن زندگی در بافت انجامیده و هم‌زمان، تغییر سبک زندگی موجب شده است بخشی از ساکنان قدیمی بافت را ترک کنند. ساخت‌وسازهای جدید در نقاط مختلف، پس از تخریب برخی بناها، چهره بافت را نیز تغییر داده است. در چنین شرایطی، حتی سرمایه‌گذاری در بافت تاریخی نیز با دشواری رویه‌رو می‌شود. خانه تاریخی هزینه نگهداری بالایی دارد و فراهم‌کردن برخی زیرساخت‌ها در بافت قدیمی دشوارتر است. کرم‌زاده همچنین به مالکیت‌های اوقافی و ورته‌ای اشاره می‌کند که می‌توانند روند حفاظت و بهره‌برداری از بناها را پیچیده کنند.

اما مسئله در همین‌جا متوقف نمی‌شود. مدیریت بافت تاریخی اصفهان میان چند دستگاه و نهاد تقسیم شده است و کرم‌زاده نیز چندمتولی بودن را یکی از عوامل مؤثر بر وضعیت موجود می‌داند. درعین حال، او تأکید می‌کند که نباید تمام مسئولیت را متوجه دستگاه‌های دولتی کرد و نقش مالکان، زیرساخت‌ها، شرایط مالکیت و تغییر سلیقه مردم نیز باید دیده شود.

این همان نقطه‌ای است که چهار روایت به یکدیگر می‌رسند. ابراهیمی از نبود مدیریت منسجم و پیوسته سخن می‌گوید؛ بهشتی از گسست رابطه مردم با شهر؛ توپچی از ضعف شبکه میان عناصر و ناتمام‌ماندن چرخه تولید ارزش؛ و کرم‌زاده از چندمتولی بودن، مالکیت‌های پیچیده، زیرساخت و تغییر الگوی زندگی.

در نتیجه، مسئله را نمی‌توان با حذف یک عامل توضیح داد. بافت تاریخی اصفهان در تقاطع چند مسئله قرار گرفته

است: حفاظت، مالکیت، سکونت، اقتصاد، زیرساخت، مدیریت، گردشگری، تغییر سبک زندگی و نحوه تعریف دوباره رابطه مردم با شهر

❖ اصفهان چه چیزی را هنوز به جریان نینداخته است؟

شاید مهم‌ترین تفاوت میان یک بنای تاریخی و یک بافت تاریخی زنده همین باشد: بنا می‌تواند مرمت شود، اما بافت باید زندگی کند.

اگر خانه‌ای مرمت شود اما ساکنان از بافت خارج شوند، اگر گذری سامان یابد اما ارتباطی با دیگر عناصر نداشته باشد، اگر گردشگر وارد شود اما تجربه‌اش به بازدید از چند نقطه منفرد محدود بماند، یا اگر کاربری اقتصادی شکل بگیرد اما همه بناها به چند الگوی تکراری تبدیل شوند، بخشی از مسئله همچنان باقی است.

آنچه از مجموع این چهار دیدگاه بیرون می‌آید، نه نسخه‌ای برای تبدیل همه بناهای تاریخی به واحدهای اقتصادی است و نه دعوت به تجاری‌سازی بافت. برعکس، مسئله دقیقاً یافتن نقطه‌ای میان حفاظت و حیات است؛ نقطه‌ای که در آن سرمایه تاریخی مصرف نشود و درعین‌حال با دارایی به‌نحجمن تبدیل نشود. ابراهیمی از ضرورت مدیریتی سخن می‌گوید که بتواند دستگاه‌های مختلف را هماهنگ کند و هم‌زمان شناخت عمیقی از اصفهان داشته باشد. او تأکید می‌کند اگر شهر برای اصفهانی‌ها زنده و دلپذیر شود، غیراصفاهانی‌ها نیز از آن بهره خواهند برد. توپچی نیز راه را در ایجاد چرخه‌ای می‌بیند که در آن ارزش تولیدشده دوباره به استمرار حیات تاریخی کمک کند؛ نه اینکه میراث صرفاً به کالایی برای مصرف تبدیل شود. شاید پرسش اصلی اصفهان این نباشد که چه تعداد بنای تاریخی دارد یا چه تعداد گردشگر می‌تواند جذب کند. پرسش دشوارتر این است که آیا می‌تواند میان میراث، سکونت، اقتصاد، فرهنگ، دانش، خلاقیت و زندگی روزمره رابطه‌ای بسازد که هرکدام دیگری را تقویت کند. اگر چنین شبکه‌ای شکل نگیرد، حتی مرمت‌های بیشتر تاریخی دارد یا چه تعداد گردشگر می‌تواند جذب کند. ممکن است بناهای بیشتری را حفظ کند، اما همچنان بافتی داشته باشد که اجزای آن کار هم قرار گرفته‌اند، بی‌آنکه دوباره به یکدیگر زندگی بدهند. مسئله اصفهان کمبود گذشته نیست؛ مسئله این است که با این حجم از گذشته، هنوز چه اندازه آینده ساخته شده است.

صنایع‌دستی گفت: سال گذشته، یک هزار و ۲۴۰ نفر در سراسر استان به‌صورت رایگان آموزش‌های صنایع‌دستی را دریافت کردند.

وی ادامه داد: دوره‌های آموزشی در زمینه بسته‌بندی، بازاریابی و برندینگ نیز برای هنرمندان برگزار می‌شود تا فعالان این حوزه، علاوه بر تولید، توانمندی بیشتری در معرفی و عرضه محصولات خود داشته باشند.

معاون صنایع‌دستی و هنرهای سنتی اداره‌کل میراث فرهنگی سمنان گفت: رویداد خلاق صنایع‌دستی تاکنون سه دوره در استان برگزار شده و برای برگزاری این رویداد به‌صورت ملی نیز با پارک علم و فناوری استان مذاکراتی انجام شده است.

سلطانی‌پور افزود: در صورت فراهم‌شدن شرایط، سمنان اسمال میزبان رویداد ملی خلاق صنایع‌دستی با همکاری پارک علم و فناوری خواهد بود.

❖ نخستین تشکل صنایع‌دستی کشور در سمنان

وی با اشاره به ایجاد تشکل صنایع‌دستی در استان بیان کرد: سمنان برای نخستین بار در کشور تشکل صنایع‌دستی را فعال کرده است. همچنین شورای راهبردی مسئولیت اجتماعی با هدف جلب مشارکت بخش خصوصی و عمومی در حوزه صنایع‌دستی و حمایت از بانوان فعال این حوزه شکل گرفته است.



وقتی نفت میان نیاز جامعه و قدرت سیاسی تقسیم می‌شود



سه خیر



انازیلا حقیقتی ا

امشاور مسئولیت اجتماعی شرکتی ا

سه خیر منتشرشده درفاصله‌ای کوتاه در خبرگزاری وزارت نفت، وقتی کنار هم قرار می‌گیرند، تصویری فراتر از یک مجموعه خبر روزانه می‌سازند؛ تصویری که ناگزیر یک پرسش مهم را پیش روی افکار عمومی می‌گذارد:منابع مسئولیت اجتماعی صنعت نفت بر اساس نیاز جامعه توزیع می‌شوند یا بر اساس میزان قدرت چانه‌زنی و دسترسی‌سیاسی؟

در خبر نخست، وزارت نفت از اجرای گسترده پروژه‌های مدرسه‌سازی در کشورمی‌گوید؛ از هزارو ۴۲۰ پروژه آموزشی در دوره فعالیت دولت چهاردهم که ۴۴۴ پروژه آن تکمیل شده و ۱۰۰۶ پروژه در دست اجراست. در این میان، خوزستان با ۳۱ پروژه، فارس با ۲۴۴ پروژه و بوشهر با ۲۲۹ پروژه در صدر قرار دارند. شانا همچنین از ۲۱۹۰ مدرسه با اعتباری بیش از هفت همت سخن می‌گوید که در دستور کار مدیریت نظارت بر طرح‌های عمرانی مناطق نفت‌خیز قرارگرفته‌اند.

اصل مدرسه‌سازی البته محل مناقشه نیست. هیچ‌کس نمی‌تواند ضرورت عدالت آموزشی و دسترسی کودکان به مدرسه‌ای ایمن و استاندارد را انکار کند.

اما مسئله دقیقاً از جایی آغاز می‌شود که از «ساخت مدرسه» عبور کنیم و به «حکمرانی منابع مدرسه‌سازی» برسیم.

چه کسی تصمیم می‌گیرد کدام مدرسه ساخته شود؟در کدام منطقه؟چه اولویتی؟بر اساس کدام داده؟و با چه سازوکاری اطمینان حاصل می‌شودکه منابع به منطقه‌ای رسیده‌اند که بیشترین نیاز را داشته‌است؟

این پرسش‌ها امروز اهمیت بیشتری دارند؛ زیرا دیگر نمی‌توان گفت چارچوب قانونی برای پاسخ به آن‌ها وجود ندارد.

ف قانون، فقط همان بخشی نیست که به نفع ماست

آیین‌نامه مسئولیت اجتماعی شرکت‌های تحت مدیریت دولت، مصوب هیئت وزیران در سال ۱۴۰۴، از یک سو شرکت‌ها را مکلف کرده است ۲۵ درصد اعتبار مسئولیت اجتماعی خود را با نظارت و راهبری معاونت امور توسعه روستایی و مناطق محروم، بااولویت نهفت مدرسه‌سازی و با تأکید بر استان‌های محروم، کم‌برخوردار و عشایری و بر پایه اطلاعات سامانه اختصاص دهند.

بنابراین اصل اختصاص بخشی از منابع به مدرسه‌سازی محل تردید نیست. اما مشکل از جایی آغاز می‌شود که در اجرای قانون، فقط آن بخشی را ببینیم که برلمان مطلوب است و بخش‌های دیگر همان قانون را در حاشیه بگذاریم.

همین آیین‌نامه، در کنار مدرسه‌سازی، از آمایش سرزمین سخن می‌گوید. سازمان برنامه و بودجه و شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان موظف شده‌اند طرح‌های پیشنهادی مرتبط با مسئولیت اجتماعی را بر اساس برنامه آمایش سرزمین در سامانه قرار دهند. همچنین بررسی طرح‌ها باید با توجه به اهمیت، میزان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری در جوامع محلی انجام شود.

حتی فراتر از این، آیین‌نامه برای ارزیابی اثربخشی نیز تکلیف مشخص کرده است: دستگاه‌های اجرایی باید هر دو سال یک‌بار، گزارش ارزیابی اثربخشی برنامه‌های مسئولیت اجتماعی را در قالب طرح‌های تحقیقاتی انجام‌شده از سوی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی غیروابسته منتشر و در سامانه بازگذاری کنند. پس اگر قرار است از قانون سخن بگوییم، باید تمام قانون را ببینیم؛ نه فقط عدد ۲۵ درصد را. مسئولیت اجتماعی نمی‌تواند به انتخابی از میان بندهای قانون محدود شود.

نمی‌توانیم بخش مربوط به مدرسه‌سازی را با فونت درشت منتشر کنیم، اما از آمایش سرزمین، سازوکار انتخاب پروژه، نحوه انتخاب مجری و پیمانکار، شفافیت اطلاعات و ارزیابی اثربخشی سخنی نگوییم. این همان نقطه‌ای است که مسئولیت اجتماعی ممکن است از «اجرای قانون» به «اجرای سلیقه‌ای قانون» نزدیک شود.

ف وقتی مدرسه وارد معادله سیاست می‌شود

یک روز پیش‌تر، همین رسانه از کسب رتبه دوم وزارت نفت در ارزیابی عملکرد معاونت‌های امور مجلس دستگاه‌های اجرایی خبر داده است. در این گزارش، روابط دولت و مجلس، حمایت از فرایند قانون‌گذاری و نظارت بر اجرای قوانین از جمله شاخص‌های ارزیابی معرفی شده‌اند و پاسخ‌گویی به مطالبات نمایندگان و حضور وزیر و مدیران نفت در مجلس و کمیسیون‌های تخصصی از عوامل این موفقیت دانسته شده است.

روز بعد نیز معاون امور حقوقی و مجلس وزارت نفت از «ارتباط حرفه‌ای، مستمر و سازنده» میان وزارت نفت و مجلس سخن گفته و بر تعامل دقیق، شفاف، کارشناسی و متقابل تأکید کرده است. هیچ‌یک از این گزارش‌ها به‌تنهایی دلیلی برای ادعای معامله یا تبادل امتیاز میان منابع مسئولیت اجتماعی و نمایندگان مجلس ارائه نمی‌کند.

اما مسئله دقیقاً از جایی آغاز می‌شود که این روایت‌ها کنار یکدیگر قرار می‌گیرند.تعامل دولت و مجلس، امری ضروری در حکمرانی است. نمایندگان باید بتوانند درباره عملکرد دستگاه‌ها سؤال کنند، مطالبات حوزه انتخابیه را مطرح کنند و بر اجرای قوانین نظارت داشته باشند. اما یک خط قرمز مهم وجود دارد: نمایندگی مردم نباید به سهمیه‌بندی منابع عمومی بر اساس قدرت چانه‌زنی سیاسی تبدیل شود.

نماینده، مطالبات حوزه انتخابیه خود را مطرح می‌کند؛

اما تصمیم درباره تخصیص منابع عمومی باید بر اساس شاخص‌های عمومی، قابل سنجش و قابل دفاع اتخاذ شود.

وگرنه «تعامل» ممکن است آرام‌آرام از معنای نهادی خود فاصله بگیرد و به چانه‌زنی برای منابع نزدیک شود.

ف نفت؛ منابع عمومی، تصمیم‌های عمومی

اگر «نیاز» معیار است، باید نیاز قابل اندازه‌گیری باشد.

اگر «محرومیت» معیار است، باید شاخص محرومیت منتشر شود.

اگر «مناطق نفت‌خیز» اولویت دارند، باید منطق این اولویت روشن باشد.

اگر «آمایش سرزمین» مبنای تصمیم است، نقشه آمایش باید برای افکار عمومی قابل مشاهده باشد.

و اگر درخواست نمایندگان، مسئولان محلی یا دستگاه‌های اجرایی در فرایند انتخاب پروژه‌ها وارد می‌شود، باید معلوم باشد در چه مرحله‌ای، با چه وزنی و تحت چه ضابطه‌ای وارد تصمیم‌گیری می‌شود.

خود آیین‌نامه نیز بر همین شفافیت تأکید دارد و مقرر کرده است اطلاعات مربوط به چگونگی انتخاب پیشنهادها، فرایند بررسی و تصویب، نحوه انتخاب مجریان و پیمانکاران، عملیات مالی، مراحل اجرا، پیشرفت، اتمام و بهره‌برداری پروژه‌ها در سامانه ثبت شود.

این یعنی مطالبه شفافیت درباره مسئولیت اجتماعی، مطالبه‌ای خارج از قانون نیست؛ مطالبه اجرای خود قانون است.

ف آیا ارزش‌ترین و مناسب‌ترین مدرسه ساخته می‌شود؟

اینجا یک پرسش دیگر نیز باید روی میز قرار گیرد: پرسشی که برای پاسخ به آن به داده نیاز داریم، نه پیش‌داوری. وقتی ساخت مدارس با منابع مسئولیت اجتماعی از مسیر سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس انجام می‌شود، آیا هزینه تمام‌شده هر مترمربع، کیفیت ساخت، زمان اجرا و هزینه‌های سربار آن با پروژه‌های مشابهی که خیرین مدرسه‌ساز یا سایر مجریان می‌سازند، مقایسه و منتشر می‌شود؟

آیا برای هر پروژه، مقایسه‌ای میان گزینه‌های مختلف اجرا وجود دارد؟ آیا مشخص است چرا یک مدل اجرایی انتخاب شده و مدل دیگری کنار گذاشته شده است؟

اگر سازمان نوسازی مدارس مجری پروژه است، مسئله این نیست که چرا یک دستگاه تخصصی وارد اجرا شده است؛ مسئله این است که فرایند انتخاب مجری چقدر رقابتی، شفاف و مبتنی بر صرفه و صلاح عمومی است. این تفاوت مهمی است.

نمی‌توان بدون انتشار داده‌گفت که اجرای پروژه توسط یک نهاد مشخص حتماً گران‌تر است یا در آن رانت وجود دارد. اما دقیقاً به همین دلیل باید داده منتشر شود.

اگر هزینه‌ها رقابتی و منطقی‌اند، انتشار اطلاعات آن را

نشان خواهد داد. اگر نیستند، جامعه حق دارد بداند چرا.
ف مدرسه یک ساختمان نیست؛ بخشی از جغرافیای زندگی است

پرسش مهم دیگر خود مدل مدرسه‌سازی است. آیا مدرسه‌ای که در خوزستان ساخته می‌شود باید الزاماً همان الگویی را داشته باشد که در بوشهر، سیستان و بلوچستان، فارس، آذربایجان یا مناطق عشایری ساخته می‌شود؟

اقلیم، معماری بومی، دمای هوا، رطوبت، دسترسی به آب، انرژی، الگوی سکونت، فاصله روستاها، مسیر رفت‌وآمد دانش‌آموزان، فرهنگ محلی و حتی الگوی جمعیتی، همگی بر طراحی یک فضای آموزشی اثر می‌گذارند.

اگر مدرسه‌سازی بدون توجه به این تفاوت‌ها به تولید انبوه یک «مدل تپه» تبدیل شود، ممکن است ساختمان ساخته شود، اما مسئله اجتماعی حل نشود. مدرسه‌سازی بدون آمایش جغرافیایی ممکن است ساخت‌وساز باشد؛ اما لزوماً توسعه نیست.

خود آیین‌نامه مسئولیت اجتماعی نیز برنامه آمایش سرزمین را در فرایند انتخاب طرح‌ها وارد کرده است. بنابراین باید پرسید: آیا آمایش سرزمین فقط یک واژه در متن آیین‌نامه است یا در طراحی، مکان‌یابی، ظرفیت، معماری و حتی مدل بهره‌برداری از مدرسه نیز اثر واقعی دارد؟

ف خیر مدرسه‌ساز و پرسش فراموش‌شده هزینه

یک مقایسه دیگر نیز می‌تواند به روشن‌شدن موضوع کمک کند. خیرین مدرسه‌ساز سال‌هاست در کشور مدرسه می‌سازند. بنابراین یک پرسش ساده و کاملاً اقتصادی وجود دارد: هزینه تمام‌شده یک مدرسه مشابه در پروژه‌های خیرساز چقدر است و همان مدرسه در پروژه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌های دولتی با چه هزینه‌ای ساخته می‌شود؟

اگر تفاوتی وجود دارد، علت چیست؟ تفاوت در کیفیت مصالح است؟ استانداردهای فنی است؟ هزینه‌های نظارت و مدیریت است؟ فرایند مناقصه و پیمانکاری است؟ مقیاس پروژه است؟ تفاوت در مشخصات فنی وامکانات مدرسه؟ این پرسش‌ها نه ضد مدرسه‌سازی‌اند و نه ضد نوسازی مدارس. برعکس؛ اگر منابع مسئولیت اجتماعی قرار است به نام جامعه هزینه‌شوند، جامعه حق دارد درباره بهره‌وری آن‌ها سؤال کند.

ف خطر اصلی، خود مدرسه نیست؛ نبودن قاعده است

نقد مسئولیت اجتماعی نفت، نقد مدرسه‌سازی نیست. اگر منابع نفت بتوانند مدرسه نیمه‌تمامی را تکمیل کنند، فضای آموزشی فرسوده‌ای را ایمن کنند، به توانمندسازی معلمان و دانش‌آموزان کمک کنند یا شکاف آموزشی مناطق محروم را کاهش دهند، می‌توانند اثر اجتماعی ماندگاری داشته باشند.

اما مسئولیت اجتماعی زمانی اعتبار پیدا می‌کند که فرایند تصمیم‌گیری آن از نتیجه‌ای که تولید می‌کند، قابل دفاع‌تر باشد. ساخت یک مدرسه تصویر خوبی می‌سازد، اما یک نظام شفاف برای انتخاب مدرسه اعتماد می‌سازد. اولی قابل عکاسی است؛ دومی قابل حسابرسی. و مسئولیت اجتماعی مدرن بیش از عکس افتتاحیه به داده، شاخص، ارزیابی اثر و پاسخ‌گویی عمومی نیاز دارد.

ف جامعه باید بتواند مسئولیت اجتماعی را نقد کند

مسئولیت اجتماعی اگر فقط از درون سازمان روایت شود، دیر یا زود به گزارش عملکرد تبدیل می‌شود. برای جلوگیری از این اتفاق، به یک حلقه مستقل بیرونی نیاز داریم؛ جامعه مدنی، دانشگاه، رسانه‌های تخصصی، پژوهشگران و فعالان اجتماعی باید بتوانند مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را نقد کنند؛ نه برای تخریب شرکت‌ها، بلکه برای اینکه نقاط کور تصمیم‌گیری دیده شوند. اگر قانون می‌گوید انتخاب پروژه باید مبتنی بر آمایش، داده، اولویت و اثرگذاری باشد، باید کسانی بیرون از ساختار اجرایی نیز بتوانند بررسی کنند که آیا این اتفاق افتاده است یا نه. اگر قانون درباره نحوه انتخاب مجری و پیمانکار شفافیت می‌خواهد، باید امکان بررسی عمومی آن وجود داشته باشد.

اگر قانون ارزیابی اثربخشی به‌وسیله دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی غیروابسته را پیش‌بینی کرده، باید پرسید این ارزیابی‌ها کجاست، کدام دانشگاه آن‌ها را انجام داده، چه شاخص‌هایی داشته‌اند و نتایجشان چه تغییری در تصمیم‌های بعدی ایجاد کرده‌است. این همان جایی است که جامعه مدنی می‌تواند نقش مهمی داشته باشد؛ نه در جای دولت تصمیم بگیرد و نه در جای شرکت؛ بلکه مراقب باشد هیچ‌کدام از این دو نتوانند بخش‌های ناخواسته‌اند عملکرد خود را از دید جامعه پنهان کنند.

ف قانون‌گریزی همیشه نقض قانون نیست

یکی از مسائل جدی در حکمرانی مسئولیت اجتماعی

ممکن است نه تخلف آشکار از قانون، بلکه انتخاب گزینشی از میان الزامات قانونی باشد. بخشی از قانون که با پروژه و روایت سازمان هماهنگ است، برجسته می‌شود؛ بخشی که درباره محدودیت، شفافیت، ارزیابی اثر، انتخاب پیمانکار، آمایش یا پاسخ‌گویی عمومی است، کمتر دیده می‌شود.

این همان جایی است که «قانون‌مداری» می‌تواند به پرسشی جدی‌تر تبدیل شود: آیا قانون را اجرا می‌کنیم یا فقط آن بخش از قانون را که برایمان مطلوب است، روایت می‌کنیم؟ مسئولیت اجتماعی اگر قرار است اعتماد بسازد، باید در برابر این وسوسه مقاوم باشد.

ف پرسش بزرگ‌تر

سه خبر شانا در کنار یکدیگر، ناخواسته سؤالی بزرگ‌تر درباره حکمرانی منابع اجتماعی ایجاد می‌کنند:

آیا مسئولیت اجتماعی صنعت نفت قرار است نقشه‌ای از نیازهای جامعه باشد یا نقشه‌ای از قدرت چانه‌زنی ذی‌نفعان؟ پاسخ به این سؤال با تکذیب یا تأیید یک مورد مشخص به دست نمی‌آید.

راه‌حل، ساختن سازوکاری است که اساساً امکان چنین تردیدی را کاهش دهد.

برای مثال، انتشار عمومی فهرست پروژه‌های مسئولیت اجتماعی، مبلغ هر پروژه، محل اجرا، شاخص انتخاب، دستگاه پیشنهاددهنده، دستگاه تصویب‌کننده، مجری و پیمانکار، روش انتخاب، هزینه تمام‌شده، وضعیت پیشرفت و ارزیابی اثر اجتماعی می‌تواند بخش بزرگی از ابهام را از میان ببرد.

در چنین مدلی، اگر نماینده‌ای مدرسه‌ای را مطالبه کند، مطالبه او ثبت می‌شود؛ اما تصمیم درباره تخصیص منابع از مسیر یک نظام شفاف نیازسنجی عبور می‌کند.

اگر خیریی مدرسه‌ای را پیشنهاد دهد، پیشنهاد او نیز ثبت می‌شود. اگر آموزش و پرورش پروژه‌ای را پیشنهاد کند، آن هم باید در همان چارچوب سنجیده شود. اگر شرکت نفت پیشنهاد دهد، پیشنهاد شرکت نیز ثبت می‌شود. پیشنهاد شرکت نیز ثبت می‌شود. قاعده باید از رابطه مهم‌تر باشد.

از «چه کسی خواست؟» به «چه کسی نیاز دارد؟»

شاید مهم‌ترین تغییر در ادبیات مسئولیت اجتماعی صنعت نفت همین باشد. سؤال نخست نباید این باشد: «چه کسی درخواست کرده است؟» بلکه باید پرسید: «کجا بیشترین نیاز وجود دارد؟» سؤال بعدی نباید این باشد: «کدام منطقه قدرت بیشتری برای جذب منابع دارد؟»

بلکه باید پرسید: «کدام مداخله بیشترین اثر اجتماعی قابل اندازه‌گیری را ایجاد می‌کند؟» و پرسش نهایی نباید فقط این باشد: «چند مدرسه ساخته‌ایم؟»

بلکه باید پرسید: «این مدارس چه تغییری در زندگی مردم ایجاد کرده‌اند؟»

این همان تفاوت میان «خروجی» و «اثر» است. تعداد مدرسه، خروجی است. کاهش ترک تحصیل، افزایش دسترسی آموزشی، کاهش فاصله دانش‌آموز تا مدرسه، ارتقای کیفیت یادگیری و بهبود عدالت آموزشی، بخشی از اثرهایی هستند که باید سنجیده شوند. مدرسه‌ای که با نیازسنجی ساخته می‌شود، یک زیرساخت آموزشی است. اما مدرسه‌ای که بتوان نشان داد چرا و کجا، با چه هزینه‌ای، به‌وسیله چه مجری‌ای، بر اساس کدام داده و با چه اثری ساخته شده، علاوه بر زیرساخت آموزشی، سندی برای اعتماد عمومی است.

آیین‌نامه جدید مسئولیت اجتماعی دولت، اتفاقاً ابزارهای لازم برای این شفافیت را تا حد زیادی پیش‌بینی کرده است: آمایش سرزمین، سامانه اطلاعاتی، بررسی اثرگذاری و تأثیرپذیری، انتشار گزارش، شفافیت در انتخاب مجری و پیمانکار و ارزیابی اثربخشی به‌وسیله دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی غیروابسته.

بنابراین، امروز پرسش اصلی دیگر این نیست که چرا نفت مدرسه می‌سازد. پرسش این است: چرا این مدرسه؟ چرا اینجا؟ چرا با این هزینه؟ چرا با این مجری؟ بر اساس کدام نیازسنجی؟ با چه میزان مشارکت جامعه محلی؟ و بعد از ساخت، چه تغییری در زندگی دانش‌آموزان ایجاد کرده است؟

اگر پاسخ این پرسش‌ها شفاف باشد، مدرسه‌سازی نفت می‌تواند از یک پروژه عمرانی به یک مداخله توسعه‌ای تبدیل شود. اما اگر پاسخ‌ها مبهم بماند، به‌بهترین شرایط پروژه‌ها نیز ممکن است زیر سایه یک پرسش بزرگ قرار گیرند: منابع نفت برای حل مسئله جامعه هزینه می‌شوند یا برای مدیریت رابطه با صاحبان قدرت؟

مسئولیت اجتماعی، در نهایت، آزمون ساختن ساختمان نیست؛ آزمون ساختن اعتماد است. و اعتماد زمانی ساخته می‌شود که مردم بدانند منابع عمومی تابع نیاز جامعه‌اند؛ نه قدرت چانه‌زنی صاحبان قدرت.

خانواده‌ها تبدیل می‌شود.

اهمیت این مشارکت قط در ساخت ساختمان نیست. انتخاب محل مدرسه براساس نیاز واقعی، فراهم کردن فضای آموزشی ایمن و مناسب و پیش‌بینی امکانات و نگهداری آن تعیین می‌کند مزایای بخش‌های شرکت تا چه اندازه اثرگذار باشد. برای شرکت‌های معدنی، مدرسه‌سازی فرصتی است تا در کنار فعالیت معدنی، سهمی ماندگار در آینده شهرهای پیرامون خود داشته باشند؛ سهمی که نتیجه‌اش را می‌توان در دسترسی بهتر کودکان به آموزش دید.

ف خوابگاهی برای ده دانشجوی دختر

سومین طرح مسئولیت اجتماعی «گهرزمین» به دانشگاه صنعتی سیرجان مربوط است. طبق توضیحات ارائه‌شده در اعلام خبر از سوی امرایی، مدیرعامل گهرزمین، محل اقامت قبلی دانشجویان دختر از کیفیت و شرایط لازم برخوردار نبوده و خوابگاه جدیدی با ظرفیت ۵۰۰ نفر با همکاری دانشگاه احداث شده و اکنون در حال تکمیل است. بنا بر برنامه اعلام‌شده، انتظار می‌رود این خوابگاه تا اواسط سال آینده به بهره‌برداری برسد.

برای دانشجوی غیربومی، خوابگاه بخشی از امکان ادامه تحصیل است. کیفیت محل اقامت بر آسایش و فرصت مطالعه او اثر می‌گذارد و برای

نمی‌توان بدون انتشار

داده گفت که اجرای

پروژه توسط یک نهاد

مشخص حتماً گران‌تر

است یا در آن رانت

وجود دارد. اما دقیقاً

به همین دلیل باید

داده منتشر شود

اگر هزینه‌ها رقابتی

و منطقی‌اند

انتشار اطلاعات

آن را نشان خواهد داد

اگر نیستند، جامعه

حق دارد بداند چرا

مسئولیت اجتماعی

زمانی اعتبار پیدا می‌کند

که فرایند تصمیم‌گیری

آن از نتیجه‌ای که تولید

می‌کند، قابل دفاع‌تر

باشد. ساخت یک مدرسه

تصویر خوبی می‌سازد

اما یک نظام شفاف برای

انتخاب مدرسه اعتماد

می‌سازد؛ اولی قابل

عکاسی است

دومی قابل حسابرسی

خانواده‌ای که فرزندش را به شهری دیگر می‌فرستد نیز اهمیت دارد. به همین دلیل، تکمیل خوابگاه دخترانه را می‌توان فراتر از افزودن ظرفیت اسکان دید؛ این طرح، در صورت بهره‌برداری با امکانات مناسب، به بهتر شدن شرایط تحصیل ده دانشجوی کمک خواهد کرد.

کنار هم قرار گرفتن بازار مدرسه و خوابگاه، تصویری از دامنه مسئولیت اجتماعی شرکت معدنی صنعتی «گهرزمین» ارائه می‌دهد. یک طرح به فضای اقتصادی و عمومی شهر می‌پردازد، دیگری به آموزش دانش‌آموزان و سومی به زندگی دانشجویی. وجه مشترک هر سه، پیوندشان با نیازهایی است که بیرون از محدوده فعالیت صنعتی شرکت قرار دارند، اما در زندگی مردم سیرجان اثر می‌گذارند.

در توضیحات ارائه‌شده درباره این همکاری، استفاده از توان گهرزمین برای توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی منطقه سیرجان تأکید شده است. امضای تفاهم‌نامه آغاز این مسیر است.

مردم اثر آن را زمانی خواهند دید که بخش‌های بازسازی‌شده بازار قابل استفاده باشند، دانش‌آموزان در مدرسه تازه درس بخوانند و دانشجویان دختر به خوابگاهی با شرایط مناسب نقل مکان کنند. آن زمان، سه تعهد روی کاغذ به سه امکان ملموس در زندگی شهر تبدیل شده‌اند.

اطلاعرسانه |

بررسی سه طرح مسئولیت اجتماعی شرکت گهرزمین در سیرجان

بازار، مدرسه، خوابگاه؛ سه نشانی از یک تعهد

بازار برای سیرجان بخشی از زندگی روزانه شهر است که در گذرها و حجره‌های آن جریان دارد. چند کیلومتر آن‌سوتر، ساخت یک مدرسه می‌تواند فضای تازه‌ای برای آموزش فراهم کند و تکمیل یک خوابگاه، شرایط زندگی دانشجویان دختر را بهبود دهد. شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین این سه نیاز را در یک تفاهم‌نامه مسئولیت اجتماعی کنار هم قرار داده است؛ بازسازی بازار سیرجان، ساخت مدرسه‌ای ۶۱۲کلاسه و تکمیل خوابگاه دخترانه دانشگاه صنعتی سیرجان. خبر امضای این تفاهم‌نامه هفته پیش از سوی امرائی مدیرعامل «گهرزمین» اعلام شد.

به گزارش «پیام ما»، طرح‌های مسئولیت اجتماعی زمانی در زندگی مردم دیده می‌شوند که به نیازهای مشخص یک شهر پاسخ دهند. در تفاهم‌نامه تازه گهرزمین، سه حوزه اختصاص یافته است که هرکدام گروهی متفاوت از شهروندان را دربرمی‌گیرد: بازاریان و مراجعه‌کنندگان بازار دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان، و دانشجویانی که برای ادامه تحصیل به اقامتگاهی مناسب نیاز دارند.

بازسازی بازار سیرجان در استان کرمان قرار است در چند مرحله پیش برود. بر اساس توضیحات ارائه‌شده توسط امرایی، مدیرعامل شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین، درباره طرح، ابتدا ورودی‌ها و خروجی‌های بازار سامان

روزنامه

www.payamema.ir

چهارشنبه ۸ مهر ۱۴۰۵
سال بیست و دوم
شماره پیاپی ۳۵۰۳

توزیع تهران: نشرگستر (۰۲۱۶۱۹۳۳۰۰۰)

توزیع استان‌ها: جراری (۰۹۱۲۳۱۳۱۰۸۹)

چاپ: صمیم (۰۲۱۶۵۵۸۶۸۰۲)

روزنامه سیاسی – اجتماعی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: روح‌الله خدیشی
زیر نظر شورای سردبیری
دبیر ویژه‌نامه‌ها: شبنم شکوربان
مدیر هنری: تیوا صمدیان
دبیر عکس: یاسر خدیشی

روزنامه سیاسی – اجتماعی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: روح‌الله خدیشی
زیر نظر شورای سردبیری
دبیر ویژه‌نامه‌ها: شبنم شکوربان
مدیر هنری: تیوا صمدیان
دبیر عکس: یاسر خدیشی

دبیر محیط زیست: فاطمه باباخانی
دبیر گزارش: مهتاب جودکی
دبیر میراث و گردشگری: صبا رضایی
دبیر خبر: یاسر مختاری
دبیر صفحه‌آخر: صدف سرداری

دبیر فرهنگ و هنر: علی ملازاده
صفحه‌آرایی: آتنا شریف‌زاده
کارتنویست: مجتبی ملازاده
بازاریابی و تبلیغات: محمد زز
اداری: فاطمه آقاملائی، شیواکرمی

آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای پیام‌ما:
www.payamema.ir/akhlagh

آگهی استان‌ها: عرفانه بهرام‌جردی ۰۲۵۵۹/۱۲۵۵۹/۰۹۰۵
آگهی‌های تهران: لیلی میرافضل ۰۹۳۹۴۳۷۴۴۶۰

ایمیل سازمان آگهی‌ها: payamema.adv@gmail.com
ایمیل تحریریه: Khabar.payamema@gmail.com

تلفن: ۰۲۱-۲۸۲۲۱۹۰۱ /
تلفن: ۰۲۱-۳۲۴۴۸۰۸۶

تهران – خیابان شریعتی – ابتدای شهید بهشتی – پلاک ۱۲ – طبقه اول

تهران: میدان آزادی، خیابان شهید بهشتی، شهید بهشتی ۱۰، نبش شرقی ۲

روزنامه

www.payamema.ir

چهارشنبه ۸ مهر ۱۴۰۵
سال بیست و دوم
شماره پیاپی ۳۵۰۳

توزیع تهران: نشرگستر (۰۲۱۶۱۹۳۳۰۰۰)

توزیع استان‌ها: جراری (۰۹۱۲۳۱۳۱۰۸۹)

چاپ: صمیم (۰۲۱۶۵۵۸۶۸۰۲)

چهره

جایزه یک عمر دستاورد «آدانا» برای «اصغر فرهادی»



سی‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم آدانا در ترکیه از «اصغر فرهادی»، کارگردان ایرانی، با اعطای جایزه یک عمر دستاورد هنری تقدیر می‌کند. این کارگردان که برای فیلم‌های «جدایی نادر از سیمین» و «فروشنده» دو جایزه اسکار در بخش بهترین فیلم بین‌المللی دریافت کرده است، در برنامه‌های گفت‌وگو و کارگاه آموزشی (مسترکلاس) این جشنواره شرکت می‌کند. فرهادی که در سال ۲۰۱۱ برای فیلم «جدایی نادر از سیمین» برنده جایزه خرس طلایی جشنواره فیلم برلین شد، در طول دوران حرفه‌ای خود جوایز متعددی را در جشنواره‌های بین‌المللی، به‌ویژه برلین و کن، از آن خود کرده است. در جریان جشنواره فیلم آدانا، جایزه یک عمر دستاورد هنری به پاس خدمات او به سینمای جهان به این کارگردان اهدا می‌شود. فرهادی همچنین در برنامه گفت‌وگو و کارگاه آموزشی، رویکرد خود به قصه‌گویی و شیوه‌های کاری‌اش، از فیلمنامه‌نویسی تا کارگردانی، را با مخاطبان به اشتراک می‌گذارد. همچنین قرار است فیلم «داستان‌های موزی»، جدیدترین ساخته فرهادی، برای نخستین بار در ترکیه در این رویداد سینمایی به نمایش درآید. این فیلم که پیش‌تر در جشنواره فیلم کن برای کسب نخل طلا رقابت کرده بود، با نقش‌آفرینی چهره‌هایی همچون «ایزابیل هویر»، «ویژینی افیرا»، «ونسان کسل»، «پیر نینی»، «آدام بسا» و «کاترین دنو» ساخته شده است. این فیلم از اثر «فیلمی کوتاه درباره عشق»، بخشی از مجموعه (ده فرمان) ساخته «کریستوف کیشلوفسکی»، الهام گرفته است. سی‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم آدانا از ۲۶ سپتامبر (۴ مهر) آغاز شده و تا ۴ اکتبر (۱۲ مهر) ادامه دارد. این جشنواره در مجموع میزبان نمایش ۲۱۰ فیلم است. | ایسنا

چهره

فردوسی در شاهنامه

است که «سلم» و «تور» فرزندان «ایرج» و دختر شاه یمن را کشته‌اند و حالا «فریدون» و ایرانیان ناچارند برای انتقام و کین‌خواهی، دل به فرزندی از کنیز محبوب ایرج ببندند

کردن‌ها علاوه بر اینکه از وفاداری او به متن کاسته، باعث ضعف نمایشنامه هم شده است. چه دلیلی دارد نمایش «پسران فریدون» با بازی تخته‌نرد دو برادر، یعنی ایرج و تور، شروع شود، در حالی که چنین چیزی در شاهنامه وجود ندارد؟ این نخستین بار نیست که تالار وحدت چنین اثری را به خود دیده است. در نمایش «خطرات و کابوس‌های یک جامعه‌دار از زندگی و قتل میرزا تقی‌خان فراهانی» به کارگردانی «علی رفیعی» نیز به قتل امیرکبیر پرداخته شده است. با این همه، «پسران فریدون» در بازی، طراحی صحنه و باقی موارد با شاهنامه و آثاری مشابه، فاصله زیادی دارد.

چهره

فردوسی در شاهنامه

است که «سلم» و «تور» فرزندان «ایرج» و دختر شاه یمن را کشته‌اند و حالا «فریدون» و ایرانیان ناچارند برای انتقام و کین‌خواهی، دل به فرزندی از کنیز محبوب ایرج ببندند

مظلومیت ایرج و استیصال فریدون. فردوسی در شاهنامه نیاورده است که سلم و تور فرزندان ایرج و دختر شاه یمن را کشته‌اند و حالا فریدون و ایرانیان ناچارند برای انتقام و کین‌خواهی، دل به فرزندی از کنیز محبوب ایرج که از او باردار است، ببندند. شاه یمن نقش پیک را میان دو نیروی خیر و شر بازی نمی‌کند؛ در عوض، سلم و تور این مأموریت را به موبدی سپرده‌اند. یکی از بخش‌های جذاب شاهنامه، گفت‌وگوی «دو به دو» سپاهیان سلم و تور پس از دیدن ایرج است. آن‌ها با دیدن ایرج شروع به پیچ‌پیچ میان خود می‌کنند و می‌گویند اوست که زینبده فرمانروایی جهان است. مشاهده سپاه در این وضعیت، رشک سلم و تور را بیشتر برمی‌انگیزد و آن‌ها را در کشتن ایرج حریص‌تر می‌کند. نمایش «پسران فریدون» آنجا که به شاهنامه پرداخته، ارزشمند است؛ اما شیوه پرداختن به این اثر سترگ اشکالات جدی دارد. اگر گروهی ادعا می‌کند چنین اثری را روی صحنه آورده، عجیب است که به متن وفادار نیست یا در طراحی صحنه تلاش می‌کند به شکلی گل‌درشت مواردی را اضافه کند که در متن اصلی نیستند. در ذهن من به عنوان مخاطب این گمانه ایجاد شد که کارگردان آنچه را صلاح ندانسته از روایت شاهنامه حذف کرده و در مقابل، موارد دیگری را به آن افزوده است. با این حال، این کم‌وزیاد

چهره

فردوسی در شاهنامه

است که «سلم» و «تور» فرزندان «ایرج» و دختر شاه یمن را کشته‌اند و حالا «فریدون» و ایرانیان ناچارند برای انتقام و کین‌خواهی، دل به فرزندی از کنیز محبوب ایرج ببندند

نمایش «پسران فریدون» به کارگردانی «علیرضا معتمدی» است که این شب‌ها در تالار وحدت» روی صحنه می‌رود. شبی که برای دیدن این نمایش رفتیم، دیدیم مخاطبان چقدر خوب با آن ارتباط گرفته و تحت‌تأثیرش قرار گرفته‌اند. مردی که جلوی ما نشسته بود، بارها به نشانه کف زدن دستش را بالا می‌آورد، اما برای آنکه اخلاقی در نمایش ایجاد نشود، دست نمی‌زد. زمان کشته‌شدن ایرج هم چنان متقلب شد که اشک هایش را با دستمالی که در دست داشت، پاک کرد. بخش بزرگی از جمع هم مانند او بودند؛ این را از تشویق‌های بی‌وقفه در پایان نمایش فهمیدم. با این همه، من نتوانستم به‌اندازه بقیه با نمایش ارتباط بگیرم. در زندگی این شانس و اقبال را داشتم که سه بار شاهنامه را با تصحیح استاد «جلال خالقی‌مطلق» بخوانم و همین، امکان قیاس میان آنچه می‌دیدم و آنچه خوانده بودم را ناگزیر می‌کرد. در اثر فردوسی، در شب آزمون شاهزاده‌ها، «سرو»، شاه یمن، خوابگاه پسران فریدون را در باغی قرار داد و از راه جادو و سرما و بادی پدید آورد تا آن‌ها را نابود کند؛ اما پسران با آموزه‌های پدر جادو را بی‌اثر کردند. این بخش از نمایش «پسران فریدون» حذف شده است. همچنین در شاهنامه اثری از شهرناز و ارنواز نیست. شخصیت‌ها قوام بیشتری دارند؛ شخصیت تندخوی تور در دل متن نشسته، همچنان که

چهره

فردوسی در شاهنامه

است که «سلم» و «تور» فرزندان «ایرج» و دختر شاه یمن را کشته‌اند و حالا «فریدون» و ایرانیان ناچارند برای انتقام و کین‌خواهی، دل به فرزندی از کنیز محبوب ایرج ببندند

نگاهی به نمایش «پسران فریدون» که دست‌مایه روایت مخدوش از شاهنامه شد

پس از آن، جهان را به سه بخش تقسیم کرد؛ روم و خاور به سلم رسید، ترک و چین به تور و ایران‌زمین به ایرج. سلم از این تقسیم ناراضی بود و تور عجل و پرخاشگر را به کشتن ایرج ترغیب کرد. ایرج به دست تور سر بریده شد. متوجه‌تر، نوه ایرج، برای انتقام سلم و تور را سر برید و سرها را نزد فریدون فرستاد. این بخش از داستان شاهنامه دست‌مایه

نوبت دوم

آگهی مناقصه دهیاری اردکلو

دهیاری اردکلو در نظر دارد در ۳۰ هزار مترمربع از معابر روستا، زیرساز و آسفالت و (با قیر مصرفی بنیاد مسکن) اجرا نماید، بدینوسیله از پیمانکاران دارای صلاحیت دعوت می‌گردد با مراجعه به سامانه ستاد ایران (www.setadiran.ir) جهت دریافت مدارک و نیز بازگرداری مدارک خواسته شده در آن سامانه اقدام نمایند. شماره تماس: ۰۹۱۴۳۹۱۲۷۳۱

دھیار اردکلو- سیف الهی خامنه

نوبت دوم

آگهی مناقصه دهیاری اردکلو

دهیاری اردکلو در نظر دارد در ۳۰ هزار مترمربع از معابر روستا، زیرساز و آسفالت و (با قیر مصرفی بنیاد مسکن) اجرا نماید، بدینوسیله از پیمانکاران دارای صلاحیت دعوت می‌گردد با مراجعه به سامانه ستاد ایران (www.setadiran.ir) جهت دریافت مدارک و نیز بازگرداری مدارک خواسته شده در آن سامانه اقدام نمایند. شماره تماس: ۰۹۱۴۳۹۱۲۷۳۱

دھیار اردکلو- سیف الهی خامنه

نوبت دوم

آگهی مناقصه دهیاری اردکلو

دهیاری اردکلو در نظر دارد در ۳۰ هزار مترمربع از معابر روستا، زیرساز و آسفالت و (با قیر مصرفی بنیاد مسکن) اجرا نماید، بدینوسیله از پیمانکاران دارای صلاحیت دعوت می‌گردد با مراجعه به سامانه ستاد ایران (www.setadiran.ir) جهت دریافت مدارک و نیز بازگرداری مدارک خواسته شده در آن سامانه اقدام نمایند. شماره تماس: ۰۹۱۴۳۹۱۲۷۳۱

دھیار اردکلو- سیف الهی خامنه

نوبت دوم

آگهی مناقصه دهیاری اردکلو

دهیاری اردکلو در نظر دارد در ۳۰ هزار مترمربع از معابر روستا، زیرساز و آسفالت و (با قیر مصرفی بنیاد مسکن) اجرا نماید، بدینوسیله از پیمانکاران دارای صلاحیت دعوت می‌گردد با مراجعه به سامانه ستاد ایران (www.setadiran.ir) جهت دریافت مدارک و نیز بازگرداری مدارک خواسته شده در آن سامانه اقدام نمایند. شماره تماس: ۰۹۱۴۳۹۱۲۷۳۱

دھیار اردکلو- سیف الهی خامنه

نوبت دوم

آگهی مناقصه دهیاری اردکلو

دهیاری اردکلو در نظر دارد در ۳۰ هزار مترمربع از معابر روستا، زیرساز و آسفالت و (با قیر مصرفی بنیاد مسکن) اجرا نماید، بدینوسیله از پیمانکاران دارای صلاحیت دعوت می‌گردد با مراجعه به سامانه ستاد ایران (www.setadiran.ir) جهت دریافت مدارک و نیز بازگرداری مدارک خواسته شده در آن سامانه اقدام نمایند. شماره تماس: ۰۹۱۴۳۹۱۲۷۳۱

دھیار اردکلو- سیف الهی خامنه

نوبت اول

آگهی مناقصه دهیاری اردکلو

دهیاری اردکلو در نظر دارد در ۳۰ هزار مترمربع از معابر روستا، زیرساز و آسفالت و (با قیر مصرفی بنیاد مسکن) اجرا نماید، بدینوسیله از پیمانکاران دارای صلاحیت دعوت می‌گردد با مراجعه به سامانه ستاد ایران (www.setadiran.ir) جهت دریافت مدارک و نیز بازگرداری مدارک خواسته شده در آن سامانه اقدام نمایند. شماره تماس: ۰۹۱۴۳۹۱۲۷۳۱

دھیار اردکلو- سیف الهی خامنه

نوبت اول

آگهی مناقصه دهیاری اردکلو

دهیاری اردکلو در نظر دارد در ۳۰ هزار مترمربع از معابر روستا، زیرساز و آسفالت و (با قیر مصرفی بنیاد مسکن) اجرا نماید، بدینوسیله از پیمانکاران دارای صلاحیت دعوت می‌گردد با مراجعه به سامانه ستاد ایران (www.setadiran.ir) جهت دریافت مدارک و نیز بازگرداری مدارک خواسته شده در آن سامانه اقدام نمایند. شماره تماس: ۰۹۱۴۳۹۱۲۷۳۱

دھیار اردکلو- سیف الهی خامنه

نوبت اول

آگهی مناقصه دهیاری اردکلو

دهیاری اردکلو در نظر دارد در ۳۰ هزار مترمربع از معابر روستا، زیرساز و آسفالت و (با قیر مصرفی بنیاد مسکن) اجرا نماید، بدینوسیله از پیمانکاران دارای صلاحیت دعوت می‌گردد با مراجعه به سامانه ستاد ایران (www.setadiran.ir) جهت دریافت مدارک و نیز بازگرداری مدارک خواسته شده در آن سامانه اقدام نمایند. شماره تماس: ۰۹۱۴۳۹۱۲۷۳۱

دھیار اردکلو- سیف الهی خامنه

نوبت اول

آگهی مناقصه دهیاری اردکلو

دهیاری اردکلو در نظر دارد در ۳۰ هزار مترمربع از معابر روستا، زیرساز و آسفالت و (با قیر مصرفی بنیاد مسکن) اجرا نماید، بدینوسیله از پیمانکاران دارای صلاحیت دعوت می‌گردد با مراجعه به سامانه ستاد ایران (www.setadiran.ir) جهت دریافت مدارک و نیز بازگرداری مدارک خواسته شده در آن سامانه اقدام نمایند. شماره تماس: ۰۹۱۴۳۹۱۲۷۳۱

دھیار اردکلو- سیف الهی خامنه

نوبت اول

آگهی مناقصه دهیاری اردکلو

دهیاری اردکلو در نظر دارد در ۳۰ هزار مترمربع از معابر روستا، زیرساز و آسفالت و (با قیر مصرفی بنیاد مسکن) اجرا نماید، بدینوسیله از پیمانکاران دارای صلاحیت دعوت می‌گردد با مراجعه به سامانه ستاد ایران (www.setadiran.ir) جهت دریافت مدارک و نیز بازگرداری مدارک خواسته شده در آن سامانه اقدام نمایند. شماره تماس: ۰۹۱۴۳۹۱۲۷۳۱

دھیار اردکلو- سیف الهی خامنه

روابط عمومی

شماره آگهی: ۲۲۸۷۲۲۹۹

شماره آگهی: ۲۲۸۷۲۲۹۹

شماره آگهی: ۲۲۸۷۲۲۹۹